

حقیقت

شماره ۱۱۹ ۱۳ اردیبهشت ۱۳۴۶

تفرقه شیعه و سنی را چگونه علاج باید کرد

هنگامی که میگویم حکومت مشروطه خود زمینه ساز آنست و با قسام توطئه های ارتجاعی و امپریالیستی است منظور ما تنها این نیست که عنا صراحتی در درون این حکومت توطئه میکنند و قصد برقرار کردن یک حکومت وابسته به بیگانگان و استبداد دارند، منظور ما تنها این هم نیست که این حکومت با تنگ بینگی در صفحه ۴۰

سرمقاله:

در هفته های اخیر جو خطرناکی در جامعه دامن زده میشود، که با کمی تعمق میتوان فهمید که ملا آقاها نسبیست، سازمانها یافته و طبق نقشه است، ناگهان همزمان با قطع مذاکرات صلح توسط صدام و سفر هیئت و معاونش به خاور-میانه و عراق، دعوای شیعه و سنی در درون حوزه های سیاسی روحانیت سرگشی های فتنه دالی و تحریکات ملی و مذهبی جماعتداری و حمله و غارت همزمان در یک سلسله شهرها علیه گروه ها و زرد و خورد چسب و زامت با لامبگیرد، رشته ای از

وقایع غیر مترقبه نظیر به رگبار گلوله سستی مردم در آمل و چند شهر دیگر، انجام مراسم عدم در خیابانهای عمومی، ضربات کردن خانه های مردم زحمتکش در دوسه نقطه اطراف کرج کسه

موج جدید توطئه و تحریک ارتجاع و امپریالیسم

ضرورت مقابله با آن

سنا به اعتراضات سخنگوی بیست و دولت با آور ماه ۱۰۰ شهز-داری شاهنشاهی است؛ ربهوده شدن اعضای شورا های تصدیدی از کارخانجات (جنرال استیل، دخانیات، شرکت واحد، ...)

* یادداشت هائی از یک سنگر *

این خبرها را تفسیر کنید!

صفحه ۲۴
خبرهائی از جبهه های آبادان
صفحه ۱۰

اخبار اصفهان
صفحه ۱۱



پیکار از خود انتقاد میکند؟!
بخش اول
چندی قبل "پیکار" فرمان "تعرض انقلابی" خوبش را صادر کرد. بدینحال این "فرمان تاریخی" رهبران جبهه نمای "پیکار" علیه لیبرالها و علیه حزب جمهوری "در یک رشته تظاهراتی" کهونیمستی" ناب از طرف این سازمان و گروههای هم مسلکش، پرچم های سرخ با آرم داس و چکش که "چون" بقیه در صفحه ۱۶

اندک حدیث افاض
بذیع و اندر حکایت
و فایع ظرفت!!
صفحه ۱۵

خامنه های در گره اشکن
صفحه ۳

شماره اول از صفحه اول

سرمقاله

ضرورت تبعیت از آن دم میزنند و مریبان یکی از مراکز انجمنی بر دیوارها شعار "ترک بر خمینی خون آشام" می نویسند و در باره بی عرضگی و بی لیاقتی بیعی صدر تبلیغ میکنند، بسته موازات این وقایع توطئه آلود بلنا گهان در چند نقطه کشتور خصوصا با بستخت دوباره بر نامه های بصب گذاری و ایجاد محیط وحشت و ناامنی سال گذشته، آنهم در ابعادی وسیعتر، تکرار میشود، همدا دپی در پی ای قتل های مرموز، که عمل قتل غالباً سبک شکی آنها م گرفته (برسدن سر)، غارت خانه ها و آدم زدنی صورت میگیرد و با زارشا به سات که سرمنشا اغلب آنها به رادیو های سلطنت طلبان فرساری و همفکرتان داخلیان میسر شده، گرم میشود.

خواهد مختلف خصوصاً بهر از طرح نقطه نظرهای گیسینجس، هیک و شرکا، دانشبر لیسوزوم آدامه جنگ و تشدید فشار نظامی سر ایران نشان میدهد که مردم ایران با بر نامه آنها خصمی جدیدی از سوی امپریالیسم آمریکا و روبرو هستند. بر نامه ای که از قرار معلوم منافع عربی یعنی امپریالیسم روس نیز در آن در نظر گرفته شده، و همچنین عربیهای سیاسی مختلف در کشور ما با بد در تحقق مواد آن نقش ایفا کنند، بنظر میرسد که این بر نامه در دو بعد نظامی و داخلی با بد کشور ما را در چنان منگنه ای از فشارهای داخلی و خارجی، اغتشاشات و چنددستگی های ملی و مذهبی، تشنج و هرج

مرج و بنا منی قرار دهده که حتی به قیمت درغلتیدن کشور بسته بگرفته جنگهای داخلی و خارجی و مهلکه "تجزیه کشور" یعنی سرنوشته ظفر ناکی که انقلاب مشروطه نیز با آن روبرو شد - زمینه برای استقرار پستک دیگتا توری فاشیستی بجهانه استقرار نظام و امنیت و قانون فراهم گردد. اما دعا رجسی و داخلی چنین بر نامه ای بشرح زیر در شرح اعراف قرار گرفته است:

الف: خارجی

۱ - تشدید جنگ تجاوز - کارانه "مدام یعنی علیرغم ضعف آشکار رژیم دست نشانده" عراق و وخیم بودن وضع ارتش تجاوزکاران در خاک ایران، که با افزایش حمایت مالسی و انسانی کشورهای عربستان، کویت، امارات متحده، مصر و اردن با سداد آنها آن تضمین شود، مشخصاً کشور نخست اخیراً ۶ میلیارد دلار برای حصران حصارات جنگی عراق به مدام قول مساعدت داده اند.

۲ - مهیا کردن ترکیه و پاکستان جهت اعمال فشار بر ایران و در صورت لزوم بسراه انداختن دعواهای سسوری و احیاناً مداخله نظامی از دو سمت ترکیه و پاکستان، که از جمله دلایلی است که کمیسرل تمهادهای از دیپرومسیای

با ستاد را به سمت مرزهای آسن دو کشور در این اواخر توجه میکنند، همچنین آمریکا در نظر دارد دوره عمده تجاری کشور یعنی بندرعباس در هندو سوب و مرز ترکیه در شمال را به موضع قطع کند. چنانکه اخیراً راه تجاری ایران از مرز ترکیه برای مدتی تا گهان قطع شد و سروصداهایی در معانیل حاکمه کشور موجب گردید، که قطعاً چنه آرمایشی داشته است. ۳ - ایجاد اختلاف میان کشورهای ارتجاعی منطقه، خلیج فارس، که با سرهت - های آمریکا شای و انگلیسی

و از مرحله جدیدی بدولت سز آن سرخلاف دعوی گمراه کننده، بارهای مطلوبیست عربی و تلفیق با غرضمندانده دستجات وابسته به شوروی و همچنین تحلیل من در آوردی حزب رنجبران منوجه روسیه میوه بلکه مسوجه انقلاب اسراست - و روسه هم فصلان قضیه بر سر گرفته کردن اینسران میا شدکاری به کارا بسن اشتلاعات ندارد.

۴ - آمریکا در بر نامه خود منافع اسر قدرت روس را سر قاطعاً در نظر گرفته و احیاناً با دادن امتیازاتی به آن در منطقه و در صلح بین المللی (اگر نه در ایران) رضا بست و نظر ما عددهما به "پرحرمی و ولج شمالی را برای تمسیر رژیم در ایران طلب خواهد کرد، یکی آنکه دو نقطه "عمرانسی برای امپریالیسم روس یعنی افغانستان و لیبستان موضوع - غاب مورد مامله خوبی برای اسر قدرت آمریکا با اسر قدرت روس میمواند با تشدید سسگر است که برای امپریالیسم آمریکا روس تحمل هر جریبان انقلابی مستقل از خود، آنهم در حاشیه مرزهای کشورش، در صحنه "رفا بین المللی سیاسی و ستاد و ستار کواراست و قضیه "همدستی هر دو اسر قدرت در تحریک و تقویت تهاوزات عراق علیه ایران نیز از بسن مسئله را ثابت میکنند.

۵ - استقرار نیسروی و اکنش سریع از طرف آمریکا در منطقه، که دقیقاً بمنظور واکنش در برابر رخدادها شسی نظیر انقلاب ایران در خلیج فارس و در نتیجه بمنظور خصسه گردانیدن ایران "مزاحم" در منطقه طرح و ترویج شده است. ۶ - تقویت با بگاه های عملیاتی و وحدت دادی بسسه دار و دسته های خاشن فرساری در اروپا، مصر، کویت، عراق و ترکیه و همچنین کمک و مساعدت تبدیل این دار و دسته ها به یک نیروی جا غربی لفصل در

صحنه، سیاست کشور حتی بشکل گسیل دستجات تروریستی و نظامی و با لشکرکشی به داخل ایران. چنانکه هم اکنون با ایجا دعوا غتشی سلطنت - طلبانه جدیدی که با همکاری دولت کویت سر ایران با ن مقیم کویت حاکم کرده اند، با واکنشها و افسران فراری بسرای تشکیل و گسترش واحد سسای خرابکاری و تهاجمی خویش از میان ایران با ن مقیم کویت سر با زگیری میکنند و در با سگاههای مصر به تملیم و تربیت آنها میبرد از ند.

ب: داخلی

۱ - تشدید تهاذهای میان اقوام و ملیت سسای ایران، ایجاد اختلاف و چنددستگی و فتنه های خونین میان فرقه های مذهبی خصوصاً شیعه و سنی، بر اه انداختن سررهای ارتجاعی، مفایری و خانها سنی (فتنای ایل سوچ و غیره) با ایجاد صحنه های بی زد و خورد چپ و راست (نظیر آنچه که در لیبستان و ترکیه بر اه افتاد) و غیره، فتنه ای که در هفته های اخیر بر سر مسدود ولایت و همچنین شمشیر روابط شبه سیاسی در حوزه سیاسی مذهبی قم و مشهد و تهران بر اه افتاده و تهریکا ت تمهادهای از مراجع شیعه و علمای سست علیه معتقدات و حدود اختیار - رات مذا هب بکدیگر بر نامه سس، سسرتکی است که از واشنگتن

الهام میگردد (و جدا گانه بدان خواهم پرداخت). ۲ - تقویت و تهریسک عربان مذهبی افراطی سس (مشروع طلبی) و دام زدن به تشنق های ارتجاعی مشروع طلبانه و تروریسم سیاسی در جا صعه، که همینه نقش عوشری را در تجزیه صفوف مردم در برابر امپریالیسم و زمینه سسای کودتا های ارتجاعی و فاشیستی در کشور ما داشته است. در اینجا ریبان سیاسی (بقیه در صفحه ۳)

بقیه از صفحه ۲

سرمقاله

ارتجاع مشروع و طلب ایران را، که مشکل ترین نماینده آن را حزب ارتجاعی خاکم برکردگی دارودسته بهشتی، آریست و شرکا تشکیل میدهد، با ارتجاع سلطنت طلب ایران پیوند میدهد.

۳ - تجدید سازمان هسته های خدا انقلابی ارتش و ایجاد شبکه کودتا به کسب فرماندهان و افسران عالی رتبه خدا انقلابی، که کمترین نمونه آن دریا دگان ارومیه به چشم میخورد. همچنین کاهش تبلیغ جنگ مقاومت دریا دگان هسا و ایجاد زمینه فکری و روحی در میان افراد ارتش برای رعایت منافع و فائون های غا هتاشا های ارتش و حضور شما در محنتها سببا سی کشور. در همین رابطه تلاشها شکی که برای ایجاد افتداری شهرهای بی عنوان نسیرونی با مطلق ضامن امنیت در شهرها صورت میگیرد، ایجاد شدن سحر و کلاه پلیس با با طوم و کلاه خود در گذرگاهاها قابل توجه است.

۴ - ایجاد محیط رعیب و وحشت و نا امنی در شهرها و راههای کشور، که طی یک سلسله برنامه های مشا بهیصیب گذاری، فضل و جنایت آدمزدی، آتش سوزی و برانداختن دسواهای مضعی و غیره، همزمان بسبا تدارکات و فعالیتها ی فوئوسا اشاره شده، اجرا و توسعه میسبدا میکند.

۵ - و با لخره ایجاد دیسک روعیه، ترس و جوا انتظار بر سراری کودتا، که در حقیقت توسط مزدوران

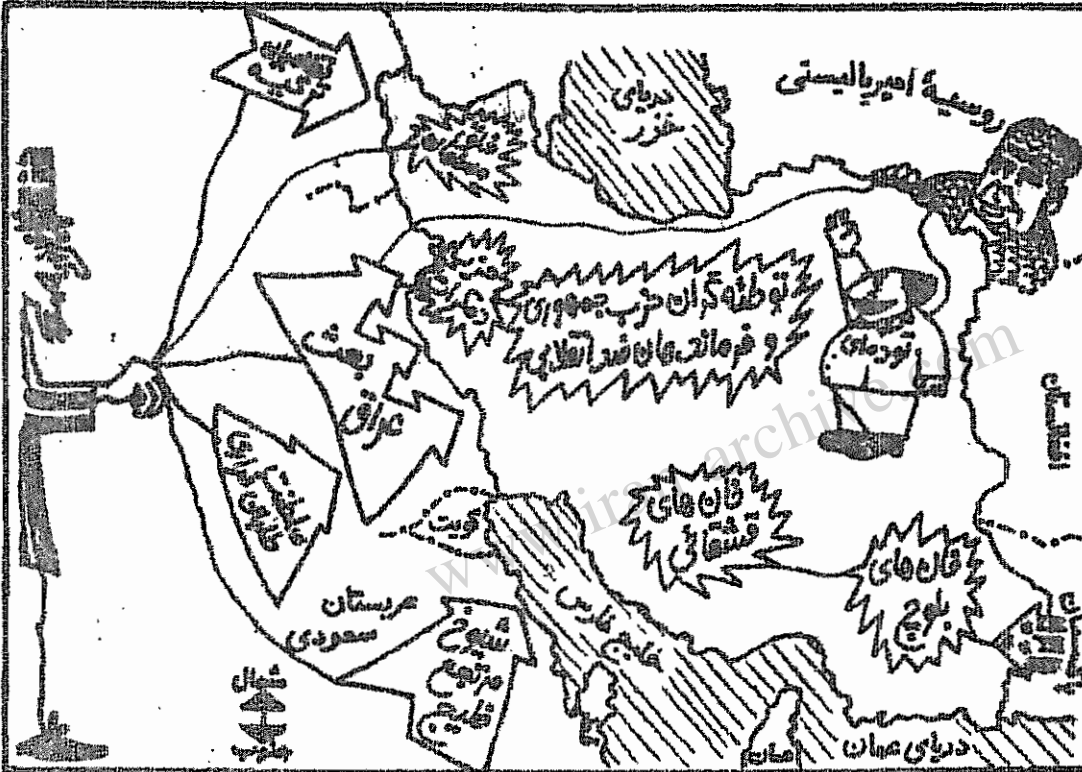
سببا است آمریکا و منظم سوریه انضامال کشا نیدن مردم، دام زده میشود، در حالیکه دستجات خدا انقلابی مورد نظر هنوز بسه میزان قابل توجهی در ضعف بسر میبرند و در سراسر قسوت و حضور همجناسی مردم در فیل و انضامالات سببا سی کشور فساد در نیستند، مبراحتی ضیبات بلایسد خود را پباده کنند.

در اینجا آنچه از مردم و نیروهای انقلابی و متمسبد کشور طلب میشود، حفظ هتاری، اما دگی ذهنی و وحدت آنها در

و اما مطالبه با این وضع و مبارزه برای ختنی کسردن توطئه ها و نقشه ها شکی که بسه منظور یکسر کردن گار انقلاب ایران و بازگرداندن جسوخ تاریخ به عقب هم اکنون بسه مرحله آزمایش و اجرا گذارده میشود، مستلزم بر خور دسربسج، فاطع و بجر حما سه با توطئه گران و طراحان و محرمان این بسین نقشه ها، مستلزم سوز بسندی دقیق و صبه سندی روشن در بر سر اردوی دشمنان داخلی و خارجی انقلاب و کشور، مستلزم

کشور به رعایت حدود و وفا بسه وعده و وعیدهای سببا سی و بسنا سوجه به وظائف ادما شکی خسان، بلکه حضوری برای قطع و قسبع سبب حمان نه دشمنان رنگا رنگ انقلاب و آزادی کشور است برای مجازات خا شنین و سرکوب خا ملان جو خطرناکی که در اجما دگونا سگون برای رها کردن مرز هسا، نخر به مضاف ملت و استفسار امتبدا نوما نسیم در کشور ایجاد و دام زده میشود.

در این میان بدتر بسین خطر امکان تا شبر و نسب سوز



الفاشات، راهنمایی هسای رخوت آورو روسهای ساده لوحانه وسعت کننده است که از بسوی بارهای شخصیت ها و حرمان غای ذینفوذ در میان مردم مطرح می شود، در اینجا مشخما نظر ما متوجه بر خور دسروشی است که هرسان - های اسلامی طرفدار هم بسبسی و بسنی سدر در پیش گرفته اند، و در حقیقت با طر نفوذ و تا شیر آنها بر ذهنیت فخرهای و بسبسی از مردم و در نتیجه بر رنگا مل فطنی سببا سی خا مده میتوانند مردم را بسبه نتایج منفی، به نا توان سبسی و بسنی در برابر واقع رهنسبون کرد. (بقیه در صفحه ۵)

دوری حمتن نوده های کشور ما از لفاظ بازی های سیاسی مؤش و کرسه، فائون بسازی و نشر بیانات لبرالیستی و حدود و نفوذی است که جا مده را بسبه رعب و وحشت و بسنی سببکشا بدوا انقلاب و آزادی و استقلال کشور را دور براند دشمنان با سقباب و بی شفا با خودی دفاع رهسا میکند، باید نوده های مسردم حضور فمائل خود را در صحنه سببا سی کشور نشان دهند سببدا و خا کمیت خود را تا بسبت کنند حضور نی نده برای کسب زدن و انظها ریشتمانی از سخرانی های تمکین بخش نه بسرای بسا آوری مسئولان و زما مداران

بر سر حوادث و نقشه هسای دشمنان رنگا رنگ انقلاب و جو خطرناکی است که توسط آنها در کشور دام زده میشود. هدف برنامه آمریکا و مقصد سواد از تمامی این فتنه های خارجی و داخلی بطور کلی در سه بسبب خلاصه میشود، که همان سببسا عبا رصت از اجا ضعف و شکست در سرزهای کشور، تحزب سبب و تفرقه در صفوف مردم ایران و برقراری سلطه سببا سبب سبب و ضرور و احتضاق بر جا سبب سبب و بسبا بر این لزوم است دقیقاً بسا عوا مل و گا و گزاران اهداف سه گانه فوق مبارزه ای جدی و مستعدانه در همه جا صورت گیرد.

تفرقه . . .

بقیه ارفعه، اول نظری های هدایت کننده اش نیروهای انقلابی را زیر سلوی مکتب سرکوب میسود و بدینسان وحدت خلق را درهم بشکنده و راه را برای پیروزی نهضت هموار میگرداند. بیماری مشروعی که در جامعه ما پدید آمده، ما تنها اینسانی ها را ندارد بلکه همسایگان ما بمانند ما کجا که ما هست که از این مکتب بازی های رایج در جامعه ما حاصل میشوند که هر روز نمونه های جدیدی از آن ظهور می نماید و زخمی که با ما میخورد، چشم انسان را بر سر خطراتی که انقلاب را تهدید میکند با و ترمیم سازد.

دوره ای که در جامعه پدید آمده که خیزش های گسترده ای را در بر میگیرد، تنها در جامعه کوری و زمین میداد، حکایت اس است که در دنیا بیسی در میان علمای شیعه ارجمنده در دوره علمی قم علامه ای صادر کردند و در آن با اعلام اینکسسه که انانی قصد دارد با جدت شعار مذهبی شیعیان آداب نماز و عبادات زبیه وحدت همیسه و سنی را فرا هم کنند، فرستاد و ارزشها بر داده شد. از سوی دیگر ارجحان عقون دیگری در میان اهل تشن همین نمونه را از سوی دیگر بگوین جان میردند و فریاد بر آوردند که بعضی سرنلیسیه معددین به مذهب منی همدار جامعه ما آغاز میشود و کجا رجا بی رسد که همزمانی های مذهبی و

سما رهای جمعه بخصوص در مذهب این اختصاصی ما نیست که خبرا صول اسلام که گویا همان بنسب است (ا) مورد احترام همه سردمداران است و هر کجا این نبایات را میبراکند در خط کمنبر و دیگران میبایست و خلاصه اینکه همه امکانات یکار گرفته شده است که مبادا خفوق ناره ای در جامعه ما برآید و خسارتی در گار و دیوار به هرج و مرج کشیده شود.

اما آقایان امام های جمعه گویا سهمی دارند خود را به بعضی زده اند که آنها سبب اعلام حکومت مذهب نشع و بطور کلی با اعلام حکومت مذهبی در جامعه ما در واقع خودشان این خفوقی ها را برپا کرده و سبب این کنا کنی ها پاداه اند.

آزورها که در مجلس بر سر کلمه اسمی هستند در بیسی (۱۲ اما می) در بیسی کلمه سیمه ما عمها وقت تبلیغ میمند و خیزگان ما روچهنسائل پارلمانی براده می انداختند هر دبه حقیقت منی صفت هستند که این مقدمه برور همساران بدل کذاب از بی کویسه در جامعه ما سب و بر دین منسب که هوا صل امیریا لیم مردمسان ۱۲ اما می ها و ۲ اما می ها و بی اما می ها و هر چه فرسسه مذهبی دیگری که وجود دارند از این مسائل بهره خواهند جست که آن ایران اهر فرقد و سلک و مذهب همراه با همه مردم انقلابی ایران هنگامی که این جدالیهای فقهی و غیره را می بینند و می بینند که چگونه از بلندگوهای حکومت همیسی جدا آنها بعنوان خطرات بزرگ برای انقلاب تبلیغ میشود، با بدیهی این فکر میکنند که سر انقلاب تا چه گذشته است که در دعوای بر سر آزادی و استقلال امروزه دعوای میان مفاطم الحنان و احادب معدد شده است. آخر بر انقلاب ما چه رفته است که امروزه نصحت ارفسلان

جمله در آدان واقعه و بیسی سگس آن مسواند آنرا در خط ا فکنند.

مردم ایران برای این انقلاب بکرده اند که حکومت فقهی بر سر کتا رسا بد. آنها برای این انقلاب بکرده اند که دعوا های فقهی مسواند انقلابنشان را در خط بر میدارد. مردم ایران برای آزادی و استقلال و حکومت خودشان انقلاب کرده اند و امروزه که از آنجا که حکومت خودشان بر سر کتا رسا مده است استقلال و آزادی بر هر روز رنگد مال می شود و چه بسا که فردا نه از ناک نشان ما بدو نه از رساک نشان.

کمیته های امرایان هم با شرکاء بر سر کتا روحا بنسون در سیاست و مراه اجناسی استقبال میکنند. همانقدر که بر سرورب نراکت آنرا هر فرقه شیعه سنی و مسیحی و زرتشتی و... در مراه برای آزادی و استقلال بنا کنند آمدن از همان زور اول بر حدسی دین از حکومت و هدایی مسائل دینی از مسائل حکومتی یا فقهی در کرده اند. کمیته ها محاسبند به آزادی مذهب و عقیده هستند آنها اگر چه خودشان به دین اعتقادی ندارند ولی همواره اهرمت اعتبارات با افسراد جامعه با ستادی خواهد گذرد. و درست سهمین خاطر است که بسا حکومت این دین با آن مذهب در جامعه مخالف ممان هستند آنچه همین دو سه سال گذشته بر اساس دین در جامعه ممان بسی مکرر دیگری نصیب به پیروان

حکومت این دین با آن مذهب در جامعه مخالف ممان هستند آنچه همین دو سه سال گذشته بر اساس دین در جامعه ممان بسی مکرر دیگری نصیب به پیروان

انقلاب و آزادی کشور است که ما دشمنان رساکتینگی ارداخل و جارج روس بوده و اینکه هیچ مراه ای علیه ارجع خاص ست پیشه. حاکم بدون حقیقت هوسا ری و مراه علمه نوظنه و

بقیه ارفعه، دومین مقاله

عقاید دیگری ندارد، هنگامی که علان کس را ساختن همین مسسه انمه علان مذهب اعدا می کنند در حالیکه درهای دیگری عده ای ابروایان نمع جمله عمر سوژی راه می اندازند، هنگامی که برای مفاطت مملکت و جنسی کا در سو لید و مفاطت در حاضره پیش سرط اعتقادات و اطلاعات فقهی گذاشته میشود، پیدا است که اسناد عقیده در جامعه سر قرار میگردد. چه های مذهبی است اگر اعمال امیریا لیمسنم و ارتحام از این حکومت عقیده برای برقراری اسناد (زیر نوا حکومت مکتب) و با سر هراری اغنشان و جنگ بر سر اکثری (سر نوا جدال مذهب) سو بدو بنسند.

دینا لکمیگ نارسه جان شده که سر جم حکومت اسلامی کسه طا هرا بر حما نحا مردم ایران بر علمه رژیم مسندنا و اربابان امیریا لیمسن شده سو دهر روز کسه میگردد یعنی ارباب به علم سرفه و اسناد حویبی وزیمیه سازی برای امیریا لیمسنها صدل میگردد. تنها راه چاره این است که احاد مردم ایران اهر فرقه و سلک و مذهب برای آزادی و استقلال و حکومت خود را بر سر نوا بنسند و نمنه های اسناد حویسیان

سحر یک سلطنت طلبان و سرتا سه های اسفدرتها و خصوصا آمریکا به شیخه، مطلوب نمبر مسند و مسوانا شده عهد بندی انجرا می و بحربه، صفوف مردم منتهی نگردد. صور غیر واقع بیمنانسه وهران مجاهدین در بیسماره موقعیت و من خود در جامعه سعی تصور اینکه آنها مرکز نقل انقلاب بوده و نشان منکسسل جهی ارتحاد مفاطل بیسی انقلاب را اسکیل مدهند، نظما آنها و بیطنهای بوده هسو ادان ایشان را به اهرال در تسمس سرامط واقعی، نه انجسام بقیه در صفحه ۲۰

یادداشت‌های از یک سنگر

خاک ریزی که بنا به نگاه ما ست به جلو شریک بود و حدود ۵۰۰ متر از طول راه خاک ریز کفند. راننده آن از چهار نفر بود و یک مسئول آن هم بود. مسئول بلدوزر پس از اطلاع از هجوم و شکل کاری که میبایست انجام شود، بناگهان اعضا را برآورد که اگر ما از قبل میدانستیم که سراسر این کار است بلدوزر میآید و در سه مینا اینکه خاک سردار، و سپس بنا و باس دورا بنظور باس نمود که بلدوزر با یکسار میتواند به اندازه ۱۰۰۰ سطل بردارد. ولیکن این خاک سردار است و سنگ آن هم کوچک و سه اندازه ۶ سطل نمیتواند بردارد. و از اینها گذشته این خاک بردارنازه تصمیمی برده است و بنا به سه هورتور آن فشار میآورد که اطلاع داشتیم که برای انجام کارهای است بلدوزر میآید و بنا به ظرفیت و سازه که را خوب در مسدود کم، حساب سروان گروهان سوم مطرح نمود که سطل یک بلدوزر هستیم و بنا میگویند که در سه محور سطل فقط ۴ بلدوزر است در حالیکه بنا به بنی مسئول هم میگویند که ما فقط ۲۷ بلدوزر از بهترین نوع را فقط از عراضی ها به غنیمت گرفته ایم. مساحتهاست که از ستاد میخواستیم ولیکن ارسن جسن امکا با تسلی را ندارد. ما حتی کندن کانال را هم با بیل و گشتی شروع نمودیم و حدود ۱۵۰ متر را کنده ایم. در صورتیکه ما مسئول هم میگویند که دستگا هی به غنیمت گرفته شده که ما کنترل از راه دور فسیل است که بکنند و حتی رنگزاک و ارمکا نال تا فاصله ۱۴۰ متری را بکنند. مسئول با سم داد که این وظیفه شرعی من است که کمک کنم. شما در اینجا خدمت میکنید و من در جاده، ولیکن ما ورکنند (این را ما فغانه میگویم) که حتی بکنند و در این مدت ارمکا هیچگونه وسایلی را نخواسته در حالیکه ما آنها امکانات خستناک برداری و رهس کسی و سنگر کنی به بهترین وجهی داریم. مس اگر میدادستیم روی چشم میگذاشتند و ما فودم میآید و بنا به کاریها را میکردیم. به حال خاک سردار از خاک ریز خط اول مقدم حمله نمود کرد. و بنا به ۲۵۰ متری ما ۳۰۰ متری شروع بکنار نمود همراهِ او یک آر. بی. بی. زن، یک بی سیمچی (بده بان) یک سردار و ۳ سه نفر رفتند که در جاده رسیدند. بلدوزر سنی هر آن از زمین کردن منور غافل نمی ماندند. خاک ریز به کار خود ادامه میداد. و قدری صدای منور آن کونخراش بود که ما فکر میکردیم عراضی های شرمناک از این کار اطلاع خواهند یافت و ما را به نوب و خمیا ره و خمسه خمسه خواهند بست. این صدا مخصوص وقتیکه خاک سردار صد برداشتن خاک را داشت و احتیاج به گاردان زیاد نبود مشهودتر بود. به حال ما در قسمت سنگر بی سیمچی آساده و مسلح بودیم. در بی سیمچی صحبت میزدیم که اوضاع خوب است. بی سیمچی حنا سروان با بی سیمچی قسمت خاک سرداری تماس داشت و بیس با ما و بنا به برداشته ها. خاک سردار کما کان کار خود را به جلو میبرد تا ساعت ۱۱/۱۵ فقط ۲ بار منور را خاموش کرد و بنا طرا اینکه بکنم منور به آن مهوط می انداختند و دوم اینکه کالیبر ۵۰ میزدند مدام. از ساعت ۱۰/۱۰ دقیقه شروع بکار کرد. در این فواصل بی سیمچی حنا سروان (که فسیل سردار خمیا رحیمی است) و بنا طرفدار کاری زیاد و از جان گذشتگی ۲ در جاده دریافت نموده است. بقیه در صفحه ۷

یادداشت‌های زیر از یکی از جبهه‌های آبادان است. کسه برای نشان دادن نوع فعالیت رزمندگان در این جبهه همسایه، روعیه آنها، اشکالات موجود و وضعیت نیروهای دشمن تها و زکار، به چاپ آنها اقدام کردیم. نکات کمی از اطلاعات موجود در آنها با لاجبا حذف شد. یادداشتها مربوط به روزهای ۱۹ تاسیس ۲۳ فروردین ۱۳۶۰.

۱۹ فروردین ۶۰:

هوا امروز آبری بود. وسعت چند دقیقه سم با ران آمد. از ساعت ۶ صبح چندین توپ خمپاره و گاتوینا امروز از جبهه جنوب نیروهای ما شلیک شد. و متنا بلا مزدوران بعضی چندین خمسه خمسه شلیک نمودند. تا ساعت ۱۰ صبح همین چند خمپاره و خمسه خمسه شلیک شد. و سپس سکوتی در جبهه‌ها حکم فرما شد.

دیشب روز ۱۸ فروردین ساعت ۹ شب یکی از سرداران دچار دندان در دهان دیده شده بود که بوسینه ۲ مبولانس وی را به بهسنداری ارتش رساندیم و پس از رفع درد و سوزش را به گشتیم در تاریکی مطلق و در حالیکه مزدوران صدا مویطور مکرر منور برنا ب میگردند و آنسی قطع نمیشد. ما با لاجبا رمی ایستادیم و همین حرکت میگردیم. اوضاع تا ساعت ۴ بعد از ظهر آرام بود. در ساعت ۴/۵ بجبهه همسایه ما با تیرباران ۲ و گاتوینا ۵۰ چندین تیر شلیک کردند که مزدوران با سه خمسه خمسه و یک خمپاره جواب دادند که در نتیجه اما مساحت خمپاره در ۱ متری یک سنگر ۲ تن از ما حمله با و ران زخمی شدند و ترکش آنها به داخل سنگر آروزی کوسی نمود کرد. ولیکن خوشبختانه آسیب چندانی نرساند. یک سروان و یک گروه همسایه زخمی شدند که بلافاصله به طرف پل حرکت کردیم و از آنجا به سمت استان انتقال یافتند. پس از آن اوضاع به حالت آرام بستر گذشت. قسمت گروهان سوم ارتش از کردان ۱۵۱ توبخا شد. سلطان آباد (یادگان تهران) اعزام شده اند و مدت ۲ ماهه در این جبهه هستند مشغول کندن کانال هستند که در بعضی از جبهه‌ها انجام میگیرند. گویا تاکنون برآورد کردن این کانالها چند تن شهید شده اند و چند تن دیگر زخمی.

از سبب یک تن شهید و ۷ تن زخمی شده اند ولیکن موفقیتی شده اند این برادران که حدود ۷۰۰ متر کانال را بکنند. و فساد نمایان اعلام هم حدود ۲۱۰۰ متر کنده اند که ۷ تن تاکنون ناشسی از این کانال کنی شهید شده اند.

هوا در امروز در ساعت ۵ بعد از ظهر و سوزش غبار آلود بود و آبری کم رنگ در آسمان مشهود بود. تعداد ۴ تن سردار و سردار به این جبهه اضافه شدند.

از ساعت ۷/۵ شب مزدوران عراضی از ترس شمشیر و حمله بطور صدا و ممتنا لب منور را رنگهای قرمز و سبز و سفید پرتاب می نمودند و موبله فاصله را روشن میگردند. در ساعت ۹/۵ شب اطلاع یافتیم که قصد حمله عملیاتی است و جبهه‌های موک تا و از گروهان سوم کردان ۱۵۱، محوری آن هستند.

ساعت ۱۰/۴ دقیقه ما هم به آن بجبهه پیوستیم، و آمادگی خود را اعلام نمودیم. از قرا را اطلاع که در این بود که بلدوزر از

یادداشت‌هایی ...

بخشیه از صفحه ۶۰

یعنی اینکه قبل از جنگ گروه‌ها ن سوم بوده که پس از تصرف ...
 و حرفش دبلیلمخواستارها سوم شود درگیری زمان جنگ درخونین
 شهر و بدلیل هداکاری به حق وی ۲ درجه دریا فت نموده و سنسوان
 یکم شد. این سروان مدامه نویختا نه کرد میداد در خمپاره و کاتیب
 تا از ارتش و خمپاره ۱۲۰ از برادران غیرورسها و هرا زگا هسی ۱۰۶
 رگا لیبیره و فخره از فدائیان بطرف مزدوران شلیک میشدند و
 این عملیات باعث میشد که دشمن زیر آتش سلاحهای سنگین مسما
 جرئت سر بیرون آوردن از سنگر را به خود ندهد. این وضع تا ساعت
 ۱۱/۱۵ شب ادا مددا شد که بنا گهان بی سیمچی دستگا و حساساک
 بردار اطلاع داد که جناب سروان که چند نفرنا شناسی که تا حدتسا
 عراقی هستند بطرف ما می آیند. بی سیمچی جناب سروان بیست
 سنگر ما اطلاع داد که چند نفر میهمان دارند میآیند. بلافاصله خطر
 عملی اعلام شد. همگی از سنگر بیرون آمدیم. تمام سلاحها آماده
 بود ملذاری دیگرنا رنجک و آر بی - بی هم آماده شد به گروهها ن
 سوم قسمت شویبارز - ۳ و کالیبیره اطلاع داده شد که آماده باش
 ولیکن چیزی که برای سربازان بوضوح روشن شده بود از قبیل
 اینکه عراقیها آنقدر بر بدل و ترسو هستند که جرئت بیرون آمدن
 از سنگر را ندارند چه رسد به اینکه حمله کنند و این دشمن را اینطور
 رتا این حد ضعیف نمودن تا درست بود. بخاطر همین انگیزه و
 علمت بود که تنگبانی درست انجام میشد و پشت تیربار کالیبیره ۵
 همچگون نبود. و اکثر اگر چه آماده باش بودند ولیکن خواب بودند
 و لباسها را گنده بودند. بهر حال پس از پنج ساعت یعنی ۱۱/۳۵
 شب بنا گهان دیدیم که خاک بردار بطرف ما آمد و دیدن بال او گروه
 بان سومی بود که او هم دوران دوان و با حسنگی مشرف میآید و دسته
 را شنده خاک بردار را اعتراض میکند که کی به تو گفتم سبای بی و وی
 پاسخ داد که بکنفر در بین شما گفت بیروین هم آمدیم. این وضع
 تا حدود ۱۰ دقیقه ادا مددا شد که از بی سیمچی خاک بردار به بی
 سیمچی جناب سروان اطلاع داده شد. که آن چند تن شناسی خسودی
 بوده اند و کویا از فدائیان اسلام بوده اند که شبانه برای شناسا
 سازی منطقه آمده و راه را هم کرده بودند. در مدت زمانی که حساساک
 بردار مشغول کار بوده تعداد ۲ نفر، یک گروهها ن سوم و یک سر
 با زهم مشغول برگردن گونی بودند تا سنگری در همان قسمت برای
 دیده باشی ایجاد کنند و کالیبیره خوبی و به بهترین وجهی و عدم خطر
 با آسودگی بین میرفت و مزدوران عراقی یکی دریا ریشتمسیر
 شلیک نکردند. آنهم بطرف فدائیان اسلام چرا که فکر میکردند این
 هدای مورتور آن سمت میآید. ولیکن پس از گزارش این خطر که
 چند نفرنا شناسی میآید. گار را رها کرده و همگی به بی سیمچی
 و آر بی - بی - جی زن و نافر شنگ دا رقیبه آمدند. پس از که
 وضع خطر دوبا ره خاک بردار زکشت و اینبار جناب سروان خودش
 با آنها حرکت کرد و بطرف ایجاد سنگر جدید و خاک ریز جدید و ماهی آمده بود
 هم بی سیمچی خاک بردار گشته بود تعداد ۴ نفرنا شناسی که پس از وضع خطر در
 اینمورد از فدائیان اسلام کسب اطلاع شده که قضیه از اینمورد بوده که ۴ نفر از
 فدائیان اسلام همنا منظوریکه گشته اند برای شناسا سازی منطقه آمده
 بودند ولیکن وقتیکه صدای مورتور خاک بردار را میشنیدند بخواستار
 چه قسمت سنگر خود اطلاع میدادند ولیکن بی سیمچی با هم میخواستار

با لختیجا رتباط فدائیان اسلام و گروه تحقیقات منطقه با سنگر
 قطع و سنگر هم با مرکز قطع میشود و در اینها می ماند که همان زمانی
 که گروه تحقیقات به نزدیکی قسمت عملیات سنگر ما می آمدند
 میرسد از طرف ما هدای آنها بگوش میرسد که از طرف یک سربساز
 قصد شناسی آنها به زیر آتش میشود. ولیکن جلوی وی گرفته میشود
 که اگر اینکار انجام میشد. عملا ما همه بکرا به زیر گبار میگریست
 قسم و دشمن هر دوی ما را میگوید و ضربات بدی وارد میشد که
 خوشبختانه به بخیر گذشت. پس از هر طرف شدن این اشکال همان
 طوریکه ذکر شد گروه سنگر ما زی جدید ما به سربسازان زکشت و
 مشغول کار شد. و تا ساعت ۱/۵ دقیقه صبا ادا مددا که از مسدودت
 زمان با زکشت دوم تا تمام کار عراقیها شروع به شلیک سلاحهای
 سنگین بطرف ما و برادران ما شد و فدائیان ما را رسد نمودند. و کما
 لیسر ۵۰ بود که بطرف ما می آمد و برادران ما به متقا بلا با سیم
 میدادند. که فردا صبح اطلاع یافتیم سرباز شلیک های بی درسی
 مزدوران عراقی بطرفه ۴ تن از برادران ما به برادران ما بیست
 خمپاره به سنگر آنها شپدندند. در دبه روان با آنها بسا د
 یادسان گرامی با دادایمن فکر میکنم بخاطر این بود که در زمان
 انجام عملیات توسط خاک بردار این برادران خمپاره انداز
 آنها کار میکرد و خیلی شلیک میشد و این باعث شناسایی آنها
 شده باشد. از کارهای حماسی آنها بگویم که ۲۵ متر کا نسبسال
 کده اند و مدتهاست که آماده اند تا بطرف جلو انتقال پیدا کنیم
 ولیکن گروهها ن سوم. گردان ۱۵۱ ارتش آماده نیست. همچنین
 فدائیان اسلام هم تا نزدیکی ۳۰۰ متری عراقیها کاتال گنده اند.
 بهر حال قصد عزم بر این است و آنوقت بقول سربازان آنها سارا
 تا روما رکنیم. زیرا که اینها در صورت فرار از این جبهه به تقویت
 جبهه های دیگر میروند. این نیروی مزدوری که در اینجا در محور
 آبادان و ما شهر - ذوالفقاری مستقر هستند. در راه دارنند:
 ۱ - فرار که غیر قابل انجام است. ۲ - حمله آنها فقط به شناسا
 زسرا کربه لغات شناسی دست بزنند ... و اگر حمله به ما بکنند که
 از این بزدلان واقعا بعید است که چه بهتر ما آنها را تا رومسارو
 تا بودخوا هم کرد و به درک واصل میکنیم. در هر صورت اینها
 شکست خورده اند و بیک راهی ما اند و بهم صلح
 بهر حال روحیه همگی سربازان خوب و عالی است و همگی
 آنها از اینکه همیشه با عدم تحرک و بیرواست نگرانند. و معتقدند
 که با بدکاری صورت داده که این عملیات استنباط زمینهای باشد
 برای نذار یک پورش و حمله. این سربازان را با بدید و با ور
 نمود که شبها بقدری جرئت و شها مت دارند که تا حدود ۴۰۰ متری
 از خط جبهه خودمان دور میشوند برای آوردن یک جرم ...
 آفندر شادت دارند که شبها تا ساعت ۲ شب با شلیک و گنگ بسا
 نادای ترین امکانات کاتال میکنند به عمق ۱/۳۰ سانتی متری
 دستهای آنها زخمی شده ولی هدف دارند. امشب یکی از درجه
 داران معتقد بود که همگی امشب را با بیستی کار کنند و زحمات
 بکنند و شبها لبت کنند که همین امشب کارا تمام و دیده باشی و
 مهمات و سلاح و ابزار در سنگر جدید مستقر کنیم و مزدوی حمله کنیم
 قال قضیه را بکنیم. ما سربازانی در اینجا داریم که با رها تا خط
 جبهه عراقیها رفته اند و حتی وحشت و رعب و ترس از آنها را در زمان
 بیرون آمدن از سنگر و رفتن به دستشویی را با خمیدن و پندوسرو
 بوده را مانده کرده اند. سربازانی هستند که تا خط مقدم عراقیها
 رفته اند و سلاحهای آنها را دیده اند و مزدوران با جنا هده آنها را
 به رگا لیبیره ۵۰ بسته اند و آنها ما را هیچ واره با بگا و حسود
 برگشته اند.

یادداشت‌هایی ...

شماره از صفحه ۷

بهر حال، اکتساب بی‌تحرک ترس و حساس ترین و مهمترین کاری بود که پس از مدتها که بدون حسنی و خوشی و حرکت سودا نجا میداد...

۲۵ فروردین ۶۰

صبح بدلیل غمشگی تب گذشته ما عفت از خواب بیدار شدم. در این روز در ساعت ۱۰ صبح در دقیقه صبح فریب خوردگان مدام به بعضی مشاهدات سنگین رسیدیم...

۲۱ فروردین ۶۰

درگیری از صبح شروع شد و تمام ما برتری آنی با ما بود از این زاویه که فقط ما تللیک میکردیم و سعیها تا کنون که ساعت ۹/۱۵ است هیچگونه با سخنی نداده اند...

و حال آنها رغبت بخش بود. هر ساعت ۳/۵ ساعت ظهر رویا بر سر آمد...

توضیح:

هر ساعت ۳/۵ فلفلی شبیه ذوالفقاری سرگردی بوده است. در ساعت ۲ درجه در این حدک گواشته و سرخک شده...

۲۲ فروردین ۶۰

در ساعت ۹ شب جهت ادا نماز خاک در فلفلی نهادیم. در حدود ۱۰ دقیقه بعد از آن آمدند که در این فلفلی...

۲۴ فروردین ۶۰

در این روز توپها نه ما تللیک مدام خود را ادا میدادند و توپها هم پس از مدتی که توپها نه ما گارنگرداها شروع میگوشیدند...

- ۱- وضع و عملکرد و کار نظامی روزنامه نیروهای پیشرو در آنجا
۲- روحیه سربازان و درجه داران سپاه پارتی و پسا...

یادداشت‌هایی

بقیه از صفحه ۸

دارند. روزی ۳۳۱ تومان اسفرا ن گذار روزی ۱۲۱ تومسان
درجه داران گذار روزی ۶۰ تومان سرپازان و ستوا نها و درجه
داران وظیفه منقضي ۲ سال شد متنی در بابا کت مجله و درجه
مورثه که اگر از جبهه خارج شوند نه تنها از آن مزایا بلکه از آن
درجه و افتخار هم آنتها ن خوری نسبت .

این گردان در ظرف ۲ روز آمیخته و حتماً تا ۲ یا ۳ اردی
بهشت تحویل خواهد شد. و قبول شده که از شهر آسانان خارج شوند
و به اردو بروند. با لافره با ستاد عملیات کت را دهند.

روجه و عملگر در جبهه نیروها از جمله سپاه و وسیع از لاسا ط
کا برید عالی است و تا فرامیل ۷۰۰ تا ۳۰۰ متری عراقی همسای
کا نال کندها ندو نیروهای گشتی و شنا ساشی و دیده با سی راهبر
شد دارند. و روز در این عراقی هم بین عراقی و ایتان این دورا
خمیا ره می بندند. این نیروها اظهار می دارند که تا هر وقت کسسه
بیشتری بشوند آماده هستیم. و جبهه ای شوی دارند و تنها مست
آنجا و سپاه و وسیع و سرپازان ما نیست و آماده فرستادن بس
دشمن هستند.

اصولاً را گد بودن و عدم حرکت و بیخوری در جبهه با کت دلسوا
همگی شده است. اکثر فرماندهان و بعضی از درجه داران کت در
عقیده شاهی دارند و دشمنان به رزیم و ما مضمینی میدهند که اکثر
با عفت نسبت رو بر روی میروند. در بعضی ارتشیان بینی صدرا به خوبی
دارد. و عمدتاً در و جا نیت هستند. مهندسی ارتش بر خلاف نسام
و دشمنان شیطانگونه عملگرند و روحانی از عا ختن یک جا ده سال
عا جز است و فقط مقدم جبهه تا اسفالتت برای دست اندازنده بنیسه
است که مروج را به عذاب و درد بیشترن دعا زمینند. حتی بسک
تعیج توسط بلند و زور میزند. عا بعد سرپازان با شین عا تا نسند
روجا نسبت هستند و معتقدند که بینی در راه عمل خود نسوی گذارند که
گارش را بکنند. ۲ نفر از روجا نیون حوزه علمیه جبهه آمیخته
بودند و به یک ظلمه که در قسمت اعدا دگران بود میگفتند که با بد
لسا س روجا شاهی که همه بدانند روجا نیت در جبهه است. این
دو نفر هر یکی بودند و از قسمت تنظیمات تم آمیخته بودند برای
این ظلمه اعدا دگران ظاهر شده بودند که نمی شود در اینجا با نسای
روجا نی بود. چون جو آماده نیست و مورد خطر انرا رنگیوم گسه
و اشکیت دارند. و اما در مورد هجوم به عراقی و زانندن آنها از این
منطقه. برای حتی میتوانند صورت گیرند. کاشی است طی یک برنا
عه ریزی با تبحر و همه جا شده و با همگاری بیشترگ از این منطقه آنها راه
ترب و خمیا ره سمت و زمینی هم بیشتر روی گرد و جبهه است هم جسی غوسی
که در زمین حرکت تطبیق میکنند. یک حقیقت است که پس از ۳ سال
عت درگیری سخت پیروزی خیلی آسان بدست خواهد آمد و بیوسه
آنگاه آنها بعضی طرف عراق سرپازان مزبور هستند که هر یک گسه
اعتقاد بر اینها نی ندارند. و خیلی سریع در پی یک یورش طلت و
بهمگرو و شکر ده تنظیم خواهد شد و جا ده اسفالتت برای حتی با روجا
شد. البته یک مسئله غیر قابل انگار وجود دارد. و آن هم پسین
است که در این نبرد در دوران مدت زیادی کم خطا و مت خواهد کرد.
طبیعی است آنچه بهیچ هم خواهد بود و اولی بشود آن سرپازان و بیوسه
گفت دینتر از دست اینها را عت میبوسوا بین قایم و گسه بسسای
با بیان میباید و اینجا از قوت وجودشان بیگ میشود. عا و نسبت
آنها هم در برهه از نقطه نما نظر از اینها است و ولی زمانیکه بسا
تا طاعت با رو بر روی میروند کت از دستشان خارج میشود و همه نظور
که تا کنون بگزارت جبهه شایس از گشتا روزی از آنها تنظیم می
شوند. بسا طرا بیگانه آنها حتی از پیشتر هم مورد هجوم قرار
ند و قبول آن سرپازان آنها تا روجا روجا بپوشا شده است.

۲ - روحیه و طرز تفکر و عقیده درجات بالای ارتش
با یک بررسی میتوان با صراحت گفت که تنها که مدت ۲۴
ساعت جبهه را گد است و هر یک گونه تحرکی در آن مشهود نیست
از جمله مسائل ظنی که وجود دارد و راجع آن با عت بدست آوردن پسین
روزی تنها شای در این جبهه میباید عدم هما هنگی در زمین برنا
ریزی و عملگر در عا مشترکی است که میباید بینا به ضرورت جنسک
تحت یک فرماندهی متشکل از فرماندهان دلسوز و لایق باشد
و این مسئله میباید این جبهه را راجع میدانده است. کسره ان ۱۵۱
در ظرف مشهور که در این جبهه میباید است مدت ۴ ماه است که در این
خط نیست. که حتی این بر خلاف قوانین جنگی است. یک گردان
فقط ۳ یا ۴ میباید بدو منطقه جنگی باشد. این گردان از باقی
مانده در ظرف مشهور و چند تا شای از باقی مانده های درگیری خونین
شهر و چند تا شای هم که فراری بودند تشکیل میشود. کت را این گردان
در تمام مدت روز فقط خوردن و خوابیدن و در واقع گذران وقت
است. در خط مقدم جبهه یک ستوان دو وظیفه وجود دارد و بیوسه
گروهیان یک فرمانده آنها سروانی است بنام مزارع که در پشت
جبهه و خط دوم که با خط اول حدود ۵۰۰ متر است. این
سروان کت را با ست و حتی با ما زور میبکنی که به راه میبندند از
رفا می هم میکنند. این از فرمانده گروهان. فرمانده گردان
هم که یک سرهنگ ۲ است او هم در خط ۳ است و با خط اول ۸۰۰ متر
فاصله دارد و کت را این است که بر بالای ما عا نی برود و عراقی
را با دور بین میبند.

سرپازان این گردان از این وضع نگران هستند و از پسین
هر یکی وقت عالی است کت دارند و ما در پی مشغول کردن مسود
هستند تا روزا به شب بر ما نند. اکثر اختلاف به این هستند که
با بدکاری که در عا راجع نبود و بیخوری کرد و گرا یکسره و
وجود کتیف بعضی ها را از این منطقه پاک نمود. بسا طرا بیگانه آنها
میگوییند این واقعا با هم زور است که آندی در بیرون سنگر استاده
با شوینا کتای خمیا ره بخورد و بیبورد. ما که با لافره در این منطقه
جنگی هستیم و عا ن شهید شدن فراوان. پس چه بهتر که سراقاز
شویوم و گاری را صورت دهیم. در بین این سرپازان افراد شجاع
و با عا مت نیز وجود دارد. این گردان حتی از دانش یک دید
با ن که نقش تعیین کننده ای میتواند ایفا نماید. بیوسه
است. سرپازان آروزی میل میباید دیده با نی میکنند. همسج
زمان این گردان یک دیده با ن خوب و ورزیده را انداخته که هستی
شاید به خوبی بترسد. فرمانده این گردان و فرمانده گروهان
پس از تمام مورثت خود هر گاه یک درجه خواهد گرفت. این
نوع درجه دارانی که به جبهه عا چند. فقط بهر درجه گرفتن
آیند و پس.

با این گردان گفته شده که ما مورثت شما تمام است و با عت
خط مقدم را تطبیق کنیم تا لشکر ۷۷ مشهوری شما را بگیرد و شما
پوشیده. خیلی گله میخندند و مسئله آرا می است بیوسه
فرمانده گردان گفته با از شهر آسانان خارج میشود و بیوسه
در این جبهه مقدم میباید و این بسا طرا این است که در جبهه
پوشی جهای از بیگانه خطری میباید اینها نندارد و سنگر خوب
بندند و پس.



خبرهایی از جبهه‌های آبادان

۱ اینکه مورد اصابت حریف قرار بگیرد فوراً پشت خاکریز رفته و درست هدف را نشانه نمی‌گیرند.

۶۰/۱/۲۷ : در جبهه فیاضیه سه نفر بمب‌چی در جاده راه می‌-

رفتند که با صدای خمپاره دشمن در جاده می‌خواستند، که در همین هنگام منافسانه ما شین لودری که از جاده عبور میکرد از روی آنها رده می‌شود و سران آن یک تن شهید و یک تن دیگر زخمی سخت پیستدا میکنند. فرد سوم جانش رضا است.

همچنین در جبهه ذوالفقاری یک خط خاکریز دیگر پیوسته بود و رابرو روی سیاه تا روبروی ارتش کشیده شده که خط اول جبهه را خیلی به عراقی‌ها نزدیکتر کرده. در اینجا در شب هنگام ششگ سوب ۱۰۶ میلیمتری دشمن به طرف نیروهای خودی ۴ زخمی و یک شهید از طرف سپاه و جها دفاع در راه دفاع از استقلال کشور داده میشود.

۶۰/۱/۲۸ : گشتی های ارتش در جبهه ذوالفقاری با دیدن

آتش از یک مسجد به آن طرف رفته و متوجه میشوند که کپسولهای گناز درون مسجد نزدیک نعله های آتش است و نمیشود درون رقتست، و ضمناً اینکه در شبهای درون مسجد شیب شده است. پس از آن با گشت در اطراف مسجد، حدود صد متر آن طرفتر، ۴ نفر را که تا لیبسای کوله شده نزدشان بوده دستگیر میکنند، که هر چهار نفر ضامن سار- حوشی از آنها حرفهای ضد و نقیض میزنند و در نتیجه بیشتر مسجود سوء ظن قرار میگیرند. این افراد تسلیم شهربانی آبادان میشوند. بطور کلی دزدی خصوصاً از خانه های خالی شده مسجودم در این شهر زیاد شده و به تحقیق دیده شده که سرده های دزدان در آنها سفود و موقعیت دارند.

بقیه از صفحه ۹

فرماندهان دستور بفروری میدهند و همگی در پشت سروپولانسها خریدارند، و فقط منتظر صلح هستند و در عین وتوتی ویا مزایا سر میبرند، و در فکر این هستند که مدت ما عورت به اسما میبرند و درجه را بگیرند و بروند مرخصی. مرخصی آنها هم که آزادانه است. سر با یک ماه خدمت در جبهه و ۱۰ روز مرخصی. آنها هر چه دلشان بخواهد. ستارگی در تاریخ ۲۸ فروردین ۵۶ بخشنامه ای آمده مبنی بر اینکه تمامی درجه داران و افسران باید دو ماه خدمت و ۱۰ روز مرخصی بروند که این فقط برای درجه داران و افسران است. سر با ران میرا از این بخشنامه هستند و آنها رفتن مرخصی برایشان بویستی و گروه بندی شده میباشد. اکثر درجه داران همگی با راننده هستند در پشت جبهه با در ستا هستند و کار رفتن میکنند. در بین تمامی فرماندهان بالا فقط یک سروان هست که سهم قسلا گروهیان سوم بوده که بنا به ادا مه تحصیل نتوانستار سوم میشود و در زمان جنگ به دلیل رشادت و شها مت که در او ششبع مستحق بوده و مستحق آنرا داشته و در جبهه وی اعطای شده و سما می روز دیده با ش می کنند و در خط مقدم جبهه هست و تنها همسر برای کندن سنگروکانال به جلوتنا نزدیکی عراقی ها می رود و وحسند، سما را خوب و الگوئی است سر با ران دستگیر.

۶۰/۱/۲۲ : بنا بر آتش توپخانه در شب آبادان در جهت سسات ارتش تجا و زکا و عراق در جبهه ذوالفقاری سوخت، و شعله های آتش آن از دور دیده میشود.

در همین روز هنگامیکه لودر نیروهای ایرانی بعد از سنگسار کردن برای آمبولانس فدائیان اسلام در جبهه ذوالفقاری به سر روی خاکریز می‌رود، با پرتاب منور عراقیها دیده میشود و تجا و زکا را آن عراقی آنها را به زیر خمپاره می‌بردند. در نتیجه آتش، آمبولانس مورد اصابت خمپاره قرار گرفته و منفجر میشود و دو تن از نرسوزخمی میشوند.

۶۰/۱/۲۲ : تنها وزگاران عراقی با دیدن لودر ایرانی ها که به برای سنگسار کردن در جبهه ذوالفقاری به جلو می‌رفتند محوطه را سا خمپاره و آتش می‌کنند، که آتشهایی به لودر و وسا بپسند دیگر می‌رسد. اما بر سر آن یک تن شهید و ۴ تن زخمی داده می‌شود. در همین زمان با آتش توپخانه نیروهای خودی دو نفره تیر با عراقی‌ها مهدم میشود.

۶۰/۱/۲۵ : با آتش خمپاره مردوران عراقی خرح های خمپاره موجود در جبهه آتش می‌گیرند، اما به خود خمپاره آتش می‌سوزاند. همچنین یکی از افراد خدمه خمپاره آتش مخصوصی می‌بندد.

۶۰/۱/۲۶ : با آتش توپخانه در جبهه ذوالفقاری یک خود روی عراقی مهدم شد که سوختن آن از دور دیده میشود.

همچنین در این روز تنها وزگاران عراقی با شاهده بسک ما شین که بر روی در جاده بسوی آن سک " موشک با " میفرستند که به آن اصابت نمیکند، اما ما شین در جاده ای گیر میکنند و با ره مورد حمله خمپاره دشمن قرار میگیرند و در نتیجه دوشن سپاه می و یک تن کمک را زخمی و یک تنی همگی دیگر که پشت در مان گنبر می بوده شهید میشوند. توضیح در باره موشک با و اینکه دستگاه پرتاب با این نوع موشک بر روی حسب سوار است و دارای دور رسدن میباشد که شلیک کننده با دشن هدف آنرا بطرف هدف شلیک میکند و در این جریان آنرا بوسله دور رسنی که بصمت هدف میزان شده و شیمی که پشت موشک وصل است تا هدف هدا بیت میکند. سر عست موشک در حدود ۵۰ کیلومتر در با عم بوده و در ضمن با جسم هم دیده میشود. و عمده تا در سطح یا شین شلیک می‌گردد. برای مقابله با آن دورا ه و هود دارد. یکی اینکه راننده با دشن آن مرتباً شتر می‌گردد و گاه زده را بیکار با طرا بیست که دور رسن ار سمت هدف متصرف شود، چون اگر دور رسنی بهر سمتی که میران شده باشد موشک بهما اصابت میکند. دیگری بریدن سیم پشت موشک است که قطع کردن آن باعث منحرف شدن و سقوط موشک میشود و هها بطوریکه گفته شد چون موشک در سطح یا شین حرکت میکند و با چشم دیده میشود میتوان با رانشن از روی سربا سرنیزه با خجری با هر چیز تیزی سیم را قطع کرد. در ضمن بردشها ش سیم که میتوانستند موشک را هدا بیت کنند به کیلو متر است و بعد از آن اگر موشک به هدف نرسیده با تنظیم بریده و موشک مسیر مستقیمی را پیش می‌گیرد سما بجای ش خورده و منفجر شود. اکثر در تزارشها بی خوانده میشود که موشک به هدف نمی‌رسد و با طرا بیست که شلیک کننده ارتش

اخبار اصفهان

از اولین روز اسکان جنگ زدگان خوزستانی در نقاط مختلف میهن نیروهای سیاسی نیز در میان آنها اقدام به فعالیت نموده اند. در خوابگاههای دانشگاه مصطفی اصفهان نیز بعضی از نیروهای سیاسی منجمله ما زمان مهاجرت به کار سیاسی مشغولند. در این رابطه یکی از دختران هوادار ما هدی که فردی فعال و نیز دارای نفوذ و پایه در بین جنگ زدگان است توسط پادشاهان به زشت ترین وضعی دستگیر میشود. جا کمان جدیداً مستعداً و نیز خیلی ناشیانه شیوه های آریا مهوری را در نهمت و افترا بستن به انقلابیون بکار میبرد. بطوریکه خواهر ما هدی را بجرم داشتن تریاک دستگیر میکنند که بر اثر مقاومت صورت گرفته و شتم فرار میگیرد. پادشاهان پیراهن او را با ره میگیرند. جنگ زدگان با دیدن چنین وضعی با اری دستها اعتراض می زنند. حمایت مردم را این مهاجرت را هیبتی و تخصص در مقابل زندان شهرپا نی در روز سه شنبه ۶۵/۱/۱۸ ادا می بینند. میکنند. با این وجود دادگاهها نسبتاً "انقلاب" وی را به دو سال زندان محکوم میکنند.

در تاریخ ۲۶ اسفند ۵۹۵ جهل نفر از کارگران شرکت دینا رگه در دانشگاه مصطفی گار میگیرند مسئول دفتر علمی دانشگاه را به گروگان گرفتند. علت این امر عقب افتادن ۶ ماه حقوق و اجازات دیگری بود که در حق کلیه کارگران و زحمتکشان این مرز و بوم انجام میگیرد. طالب تذکراتی است که آقای محمد علی نجفی "مکتبی" که از طرف پادشاهان دانشگاهی به این سمت منصوب شده است با قسم به اینکه شرکت دینا را حقوق کارگران را پرداخت نکرده است با پرداخت وام به این شرکت موافقت می نماید. آقای پدرونی صاحب شرکت دینا نیز پس از گرفتن وام فراروا برقرار ترجیح میدهد (البته از انبساط پادشاهان و آسکار مسئولین دانشگاه و پدرونی تا اینجا ماسی خبریم). کارگران شریف و زحمتکش شرکت دینا نیز چون ارفرار صاحب شرکت با خبر میشوند مسئولین دانشگاه را مسبب غمناک میکنند و مسئول دفتر علمی را به گروگان میگیرند. بعد از مدتی کش و قوس و سخت و محبت با مقامات دانشگاه که عزم و اراده را سخ کارگران را می بینند تسلیم شده و با پرداخت ۲ ماه حقوق اربودجه دانشگاه موافقت میکنند. کارگران پس از پایان گروگان گیری موضوع را از طریق مسوق "دادگاه انقلاب" برای گرفتن ۴ ماه حقوق عقب افتاده خود پیگیری میکنند.

چهارشنبه ۶۵/۱/۱۹ پادشاهان و جماعتی در استان به عده ای از رفقای ما که در حال فروش شریه در میدان انقلاب بودند حمله کردند. یکی از پادشاهان که جماعتی نیز به زیر نفوذ داشت اقدام به پاره کردن شریات کرد و رفیق فروشنده را به زیر مشت گرفت. رفقای که همراه رفیق فروشنده بودند نیز بیگانه شدند و یکمک مردمی که در میدان انقلاب حضور داشتند به پادشاهان درین غویی دادند. بعد از این کوششها، رفقای ما شعرا رهسای

"کیش، کیش چماق دار...". "سرگ برار جماعت" و "حزب چماقی بدستان" با بیدیه گورستان را سردا دند که چندین بار بوسیده ها فرین تکرار شد.

اصفهان شاهد شده است که عده ای از پادشاهان با لباس شخصی بدون ریش! و با کلت در سطح شهر مخصوص مراکز تجمع و فعالیت نیروهای سیاسی (نظیر میدان انقلاب) درگشت و گذارند. حزب آبرویا خنه، فد جمهوری برای ایجاد اختیای دست به یک حکومت نظامی غیر رسمی! در سطح شهر زده است تا از این طریق بتواند نیروهای انقلابی را شنا سازی و سرکوب کند.

در هفته پیش یکی از سرپازان منقذی ۶۰ به مرکز پادشاه پادشاهان میروند و با عده ای از پادشاهان که در مرکز حضور داشته اند وارد بحث و صحبت میشود. آری سرپازان انقلابی که تازه از جبهه های سردما اثر را به شش برگشته و شا هدیانت هسبای سیاسی بوده است دست به افشاکری در مورد خیانت های انجام شده میرسد. این بحث ها که عین واقعیت بوده است و پرده از چهره کبریه مرتجعین حدس در برداشته است، "باب طبع آقا با ن تکرار نمی کرد و یکی از پادشاهان کلت خود را میگذارد و سینه آری سرپازان میگذارد و با عده ای میگردند. جنگ و نفرین سر آبان باد.

میدان انقلاب اصفهان که یکی از نقاط مرکزی و در عین حال پر رفت و آمد می باشد، مرکز تجمع خوزستانی ها نیز می باشد. عده ای از آنها به دست هروشی مسئولین عده دیگری نیز پیگیرند و سرای وقت کشی و... به این محل میآیند. از طرف دیگر بعضی محل مرکز فعالیت های علمی نیروهای سیاسی است. نیروهای سیاسی، عموماً در این محل اقدام به پخش اعلامیه و فروش شریه میکنند و طبق معمول سبزه همیشه درگیری بوجود میآید. خوزستانی ها شای که در این محل تجمع میکنند، بیوسه (از زوایای کوبا - گون) به دفاع از نیروهای سیاسی و بر علیه پادشاهان و پادشاهان داران عمل میکنند. این عمل باعث ناراحتی پادشاهان و حزب الهی ها است و اراس روش همیشه در فکر ارفهم با شدن این محل تجمع بوده است. تا اینکه در تاریخ جمعه ۶۵/۱/۲۱ دعواشی بیسی تعدادی از خوزستانی ها و عده ای دیگر در میگیرند. به نظر میرسد عده ای که تحت نام "اصفهان نی" در میدان آمده بودند به حساب پادشاهان و مدیریم حزب قرار داشتند. در این درگیری یکی از خوزستانی ها بوسله "فد بطرز فحیمی گشته میشود. روشی است که هدف از این عمل مرتجعانه در درجه اول اربا دود پیگیری مردم، اربا دوجو و رفقایان و به منظور سرکوبی نیروهای سیاسی است.

روز چهارشنبه ۶۵/۱/۲۶ در کبیری جمعه کدتنسسه فرار بود که عده ای از حزب الهی های سواهی همین آباد فرج - آباد، دستگیرند. مسجد لیبان، طومجی، زبیدیه، سیچون و... بستن ساعت ۳ - ۱ در میدان انقلاب با سرشود ما دکه های خوزستانی ها را برهیزند. آری مسئله در چهارچوب حقوق قابل فهم است. حزب گذاشی بعد از آن قلمرو سیاسی روز جمعه در نظر داشت تا دست به یک حرکت جماعتی درانه، دیگر برسد و نوظنه، خوش را تکمیل کند. اما با باطلی (؟) نتوانست این سر را به راه حرکت.

گزارشی از وضع یکی از خوابگاه‌های جنگزدگان در شیراز

خرما (خرماهای گرم‌زده‌ای که در خوزستان برای دام‌زبان استفاده می‌گردند) بهر دیگری سه ما سدا ده‌اید. "مستولین" خوابگاه‌ها این صحبت به مذاقتان خوش نمی‌آید میگویند این شخص شایسته پراکن است و متون پنجمی است. وی بی‌بها نه میگردند تا به افسر سرد خوابگاه‌ها نسبت کنند و مذاق بقلاب است. بنا با لایحه یک روز موفسغ نهار معذاری پوست تخمه در غذای این شخص پیدا میشود و وی بدون اینکه غذا را بخورد و تعویل میدهد و آنها با استفاده از این موقعیت به "افشاگری" میپردازند و میگویند به همین دلیل این شخص بخاطر اینکه وضعیت خوب است و احتیاجی به غذای ما ندارد آن را پس میدهد و این کار را هم خودش عمداً انجام داده (یعنی ریختن پوست تخمه در غذا) که البته این صحبت‌ها بخاطر ضمانت افراد خوابگاه‌ها را پس فرود می‌آورد تا شیری بر روی آنها سدا شد.

دیگر اروا بیع این خوابگاه و اعمال این آفانان مربوط به برنا ماه ۲۲ سهم سالروز انقلاب بهر تگوه ایران بود که افسر امام خوابگاه بر ما ماه خوبی را ترشیت داده بودند تا سالروز انقلاب را راجح گذارند. در این سرنا مع قرار بود مقایسه‌ای خوانده شود و شما بنا به وسرود نیز اجرا شود. تعدادی بلیت هم برای برنا ماه فروخته شده بود که پولش را میخواهند صرف جنگ زدگان کنند. ولی بلیت اینک در آنجا رسیده به هم گفته شده بود که افسر برای برنا ماه روزهای معدولو کبیری جعل آورده و گفتند تا میخواهید آفتاب شما کنید. آما سالروز انقلاب را جشن گرفتیم آفتاب است؟ آیا این زمان و مردانی که در انقلاب شرکت کرده و اکنون عزیزان شما در جبهه‌ها مقابل شما و مزدوران یعنی استاده اند حق برکاری مراسم و جشن انقلاب است. را ندارند. چون در همه ما شما میخواهید افسر را طلسم کنند و همه چیز را بر سر خود بگیرند.

از طرف تلویزیون نیز ارمایه‌ای با افراد این خوابگاه در مورد وضع غذایی و مسکن و کلیه مسائل جنگ زدگان پرسیدند داده میشود. یکی از افراد خوابگاه در مورد غذایی که به آنها داده میشود میگوید: «اول سدا شد رعایت نمیشود (یعنی شبی در غذای آنها دیده شده) و بنا بر این خا سواده‌های پر حجمیت کافسیست. هفتم: بهر سدا بنده آفتاب استا ندارد در ما حبه تلومر سوسی میگوید مسئله عدم بهداشت صحت ندارد و در ضمن آنقدر به آنها غذا داده میشود که حتی اقامه آن را در سطل آسمال می‌ریند.

برای روشن شدن ذهن سدا بنده استا ندارد موسسه‌ای از بلیت دور ریختن غذا آورده میشود تا معلوم شود آفتاب سدا بنده استا ندارد واقعا نمیدانند بلیت دور ریختن غذا چیست و با خودشان را به نظری می‌زنند.

موضوع بدینی صورت بوده که یک شب دو پیاژه آلز آورده شد. از رنگ غذا معلوم بود که گه‌گه شده و ما بنده استا بعضی از افسران از گرفتن غذا امتناع کردند ولی عده‌ای چون مجبور بودند و خوری برای خوردن نداشتند غذا را گرفتند. سدا بنده نکند که سواکه از یکی از طبقاته‌ها فریادی بلند شد که هر کس غذا را گرفته نخورد چون عدا مسموم است. آن شب عده‌ای از افراد خوابگاه مسموم شدند. حسی عده‌ای نیز به بیمارستان انتقال داده شدند. این آفانان که

در زیر گزارشی از یکی از خوابگاه‌های آوارگان جنگی در شیراز می‌آید نشان داده شود بهر طور حزب ارتجاعی همسوسی اسلامی و سران بر مستند قدرت بنده استا بر خلاف ادماهای بسوج و توغالی که از اخصی و رسیدگی به آوارگان جنگی میکنند چیزی جز ترس و الفکتی و آزار و اذیت جنگ زدگان نبوده است.

خوابگاه صنایع الکترونیک واقع در بلوار مدرس جنگی از خوابگاه‌هایی است که در آن حدود ۱۷۰۰ نفر از آوارگان جنگی اسکان داده شده اند و اکثر افراد این خوابگاه از خرمشهر و آبادان آمده‌اند. دو هفته بعد از شروع جنگ تحصیلی این خوابگاه به سر آوارگان جنگ داده شد و بلافاصله پس از ورود به سدا دی با سدا رسد آنجا آمدند تا با صلاح نظم و حیا لغت و تفهیم آدوفه و غیره راه عهده بگیرند که در واقع کارشان کنترل رفت و آمد و بر سر طردا نشستی افراد باکی خوابگاه بود. جنگی از زور کوشیهای استبا جلو گیری از ورود مردان به درون خوابگاه بود (السنه مردان کمتر از ۱۵ سال ریشتر از ۵۰ سال معاز می‌بودند خوابگاه‌ها پیدا). هر روز صبح و عصر با صلح بدست می‌آمدند و تا آنها را می‌کنند تا مطمئن شوند مردی در خوابگاه نمانده باشد. و به اصطلاح دلیلی هم که بسیاری کارشان دانند این بود که میخواهند جلوی آنها را بگیرند و در صحن مردها را به عهده بگیرند. حتی یک روز صبح سدا دی افسر اد صلح به ز-۳ سدا بنده اینک افراد جنگ زده به روی بخت با مها می‌گرفتند و سدا برای مقایسه با آنها آمده و سدا تا قی هسا شده و مردان را به زور وارد می‌سوس کردند تا به عهده بگیرند. بعضی آنها درگیری میشوند و زمان خوابگاه مانع بردن مسردان میشوند. این سیاست (جلوگیری از ورود مردان به خوابگاه و بطور اخباری فرماندهان به عهده) با اعتراض و مقاومت افراد خوابگاه رو بر آورده و مدتی ادامه پیدا میکنند تا اینکه بهر یکی از خانواده‌ها برای دیدن خانواده‌ها عهده می‌آید و مانع ورود میشوند و چون مقاومت میکنند و مارک ضوون بهر می میرند و افراد خوابگاه به عهده‌هایی این فرد سدا میشوند و جلوی در خوابگاه سدا بنده میکنند و با لایحه موفسغ میشوند خواهسته خود را بگیرند و از آن روز به بعد مردان حق ورود به خوابگاه را پیدا میکنند. البته سدا بنده این آفانان چیزی گفت کدام حرف شما را باور کنیم: به زور فرستادن مردها را به عهده و با اطلاعیه‌ها در کردند تا راکه هیچ نیروی سدا بنده حق آمدن به مناطق جنگی را ندارند؟ مگر با دستان رفتن از مردانی که دا و طلبانه راهی عهده میشوند و از انقلابیونی که در جبهه‌ها جانبا زانه مقاومت میکنند چه استقبالی میکنند. مسگر با دستان رفته مردم فریاد می‌زنند: ما به عهده می‌رویم ولی به سدا بنده نمی‌دهد.

در همان مدتی که نشان برای ورود مردان به خوابگاه سدا بنده می‌گردد سدا بنده یکی از محظولین استا ندارد به خوابگاه آمده و میگوید اگر مردها به عهده بروند ما حتی بهتر از این سدا رسدگی میکنیم. یکی از زنان سدا رز می‌گوید تا بحال که گازی انجمن سدا بنده است. اما می این خوابگاه از دسترنج بدران و مستادان و هموطنان ما سدا بنده و بنا بر این منطبق به خود ما ست و سدا بنده سدا بنده می‌گویند نمی‌توانیم سدا بنده ما بگذارد. در مورد غذا هم به زنان و

اخبار اصفهان

دوشنبه ۱۷ فروردین چهارم و غیر حزب الهی سبکساز
 فروشندهگان نشریه، مجاهد در میدان انقلاب حمله میکنند و
 فروشنده، مجاهد را مورد ضرب و شتم شدید قرار میدهند، حزب الهی
 ها به جا قوم مسلح بودند و قصد کشتن فروشنده، نشریه را داشتند که
 یکی از دوستان او بموقع سر میرسد و به بهانه اینکه میخواهد
 او را سبهاه ببرد وی را از سهلگه نجات میدهد.



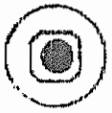
بدینسان بخشنامهائی که از طرف آستانداری صادر شد کار
 آموزان قسمت های مختلف بیداری، سختی ارگان را بوزان نوبت
 آهن و دیگر کارآموزان بیگانه شدند. گروهی از این کارآموزان
 سکا شده (حدود ۳۰۰ تا ۵۰۰ نفر) در آستانداری تجمع نمودند
 و خواهان پرداخت به ما حقوقی غلبه افتاده و تضمین کار شدند.
 کمیته، هماهنگی کارآموزان که زیر نفوذ آستانداری است اکثریت
 است در ابتدا متحصصین را دعوت به شکستن تجمع میکنند که اکثر
 کارآموزان تا این تصمیم مخالفت کرده و خواهان ادامه تجمع
 و راهبمانی میشوند. در همین این کارآموزان همسواداران
 اتحادیه، اقلیت، بیگانه رومیها هستند در ادامه تجمع تا رسیدن
 به حواستها بیجان تلاش میکنند. حالت اینهاست که اکثریتی ها
 که با دیروز تکمیل همین را ضابطه میگردند، امروز خواستند
 ادامه آن و گرفتن حق شده اند. از قرار معلوم آقا بستان
 اکثریتی تا آیت الله طاهری و آقای سالک (رفقای "فدا میر"
 یا "استیسان") دیدار و گفتگو داشته اند و طبق رهنمود آنها
 تصمیم به ادامه تجمع گرفته اند. گویا مذاکراتی بین آقای
 داودی و طاهری اکثریتی ها را به ادامه تجمع (همی حمایت
 از طاهری وقتا گذارند سر داودی) تشویق کرده است. این
 مسأله همچنان ادامه دارد.



روز ۱۳ فروردین هواداران اکثریت نماینده ای را
 در فولادشهرها جرارد می آورند. مضمون این نماینده ها صلاح
 فدلیمرالی وند آمریکا می بوده است، ضمن ابرای نماینده
 اکثریتی ها مواجعه با اعتراض مردم میشوند. مردم بدستنی از
 اکثریتی ها مسرستند که چرا اسی از شوروی در این نماینده
 نمی برید؟ البته سوکران حدس دروسه سرکه باخ به اسی
 سؤال را به صرف خویش نمی بستند از دان جواب ظهرو مرود،
 اما مردم خود در مقام پاسخ بر می آمدند و پاسخ مناسب
 شمار "مرک بر شوروی" ارائه میدهند. اکثریتی ها و دمی کسی
 بستند مردم را رسیده اربا با نشان دو سوراخ میگویند بساط
 خود را جمع کرده و فرار را سوزن را رجیح میدهند.



یکی از هواداران اکثریت که نماینده ای از ارباب اصفهان
 آمده است میگفت یکی از روابط "اشفالی" شان عرب و ششم
 نیروهای سه جانی (مسفورکنه) سزهای خط ۱۳ است. وی
 میگفت که ما ایمدا به عنوان حزب الهی ساسی نیروها وارد
 محنت مضبوطی بعد از اطمینان و طبعه "اشفالی" خود را سب و
 لنگدو... اسام میدهم، محرکوشی از ریحاع و ساه بر سب
 ساند های هاکم، ساک کردن سفا رهای اشفالی، عرب و ششم سز
 های اشفالی و... را منی که ارسوسا لشموع روسی سسراز
 این همی سس سواد سساز است!



این خبرها را تفسیر کنید!

با توجه به وجود اداره های سیاسی ایدئولوژیک و استه
 حزب جمهوری اسلامی در ارتش و سپاه، وجود فرمان عالی
 شاهپرست در مدارج عالی قوای مسلح و بیخ و بنای هسته ها و
 عنا مرفضانقلابی ساواکی، حزبی و نهادهای درینها دهی ما کسم
 بر کشور، واقعا دشوار است که با شنیدن این اخبار رنجب سز داده
 شود که این کارها، کارگذا میکان از این دستجات میماند. بنظر
 ما کار همگی این دسته هاست. در واقع یکی از مشکلات بفرسی
 سیاسی در هفته های اخیر تشخیص سفاوت ساسان ساهی و ساواکی و
 حزبی و نهادهای سیاسی است!

اما خبر:

- ۱ - دریا دگان قلعه مرغی شمار مرگ برودت سز سکا تفسیر
 در مراسم صبحگاهی ممنوع شده!
- ۲ - دریا دگان حمیسی (سهرآباد حمیسی) هروزی نشریه
 انقلاب اسلامی در مقابل دریا دگان ممنوع شده و غلبه
 این نشریه سسای می شود.
- ۳ - در این روزها دیده شده که فرما شده با دنیا سسای
 (سهرآباد دو... پس از سخنرانی تا گمید میگردند که سسای
 از انقلاب نظام ارتش عوض شده و هما مطور که ما گمید
 باید با غایت اربابون و قاننون ارتش (همی همسان
 قانونی که بگفته) اطمینان عوض شده - همی قانسون
 ساهنتای ارتش) به هر صورت که سده رعایت شود!
- ۴ - در قزوین این روزها در شهرهای سپاهیا سسازان
 سخنرانی میشود و به سسازان گفته میشود که امروز مردم
 ایران خواج هستند و نصیبت به حزب بدبینی و غلبه
 آن توتلنه میکنند! و اینکه سسای با بددیرا برای این خواج
 (همی مردم ایران) ایضا دگی سسای و اسها را سز کوب
 کنند.

آیا این اخبار بر میان نوظنه مشترکی نیستند؟!



جنگ زدگان...

خوا بگا به پیش آستانداری رفته و مخالفت گلبه افراد خوا بگا را به
 آستانداری میگویند. به آنها قول داده میشود که این شکل جیسره
 جنگ فقط تا اول اردیبهشت ماه خواهد بود و تا آن موقع دهنرجه
 هاشی درست میشود که تمام اجسام مورد نیاز برای سزای آنها شی کسه
 واقعا مستغلب هستند بطور ممانی و آنها شی که شاغل هستند بطور
 بخصف قیمت تا مین میشود. حال کی عملی میشود، خدا میداند سسای و
 خودشان. دیگر از اعمال عوامل حزب گذاشی در خوا بگا سسای
 جنگ زدگان کنترل رفت و آمد خود افراد خوا بگا و کسانیی است که
 برای دیدن آنها و کمک به آنها می آسند و تا بحال دونظر را کسه
 برای دیدن آنها آمده اند و بعنوان فدا انقلاب دستگیر کرده اند.
 سسای در سسای

اندز حدیث افاضات ندیع و اندز حکایت وقایع ظریف!

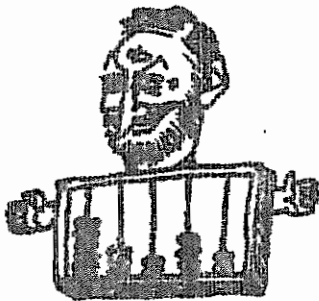
درباب مسائل نامیم!

اغیرا قضیه ۶۶ میلییون دلار پول زبان سینه ملت که در یک چشم بهم زدن تفلده شد و بیسک لبوان آبی هم که بیروی آن نوش جان فرموده اند، بهرخی اربابدار اوردند و مصدق و مستند بهر پسرور (!) جمهوری اسلامی رایه اظهار است. لهیات شیرینی واداشته است. ار آن جمله، جناب مستطاب، حضرت آقای آیت الله دکتور محمد بهشتی، رئیس دیوان عالی کشور، دبیر کل حزب رستاخیز (پسند جمهوری اسلامی!) و فرمانده کل جمان است که در یک مصاحبه مطبوعاتی فرمود: "این مسئله ای نیست که این قدر آنرا بزرگ کرده اند". نویسنده، حاضر هم دانست کم کم مطمئن میشد که سی الوافح هلاکت ۶۶ میلییون دلار مسئله ای نیست و وقتی ما برای ۱۰ میلییارد دلار چرنکه نیامده خنیم، ۶۶ میلییون دلار که جای خود دارد! تا اینکه از سد روزگار بر خوردیم به یکسوی از اقوام که دانشجوی باز نهشته ای است (!) و بر حسب مقتضیات ظنی سابق (!) یک ما شیب حساب جیبی مارک "کازو" دارد. ما هم که ندیدید بیدید شروع کردیم به وررفتن و بازی کردن حساب ما شیب حساب. یک هفته زد به سرمان که تفریبی هم گذشته، یک مقدار چرتکه بیامده زیم ویسی از مقداری ضرب و تقسیم و جمع و تفریق با این نتیجه رسیدیم که ۶۶ میلییون دلار، با حساب دلاری ۲۰ تومان میشود یک میلییون و ۲۰۰ میلیون تومان گسه مساوی میشود با حقوق یک ساله ۴۶۴۹۲ کارگر با ده ایاب روزی ۶۶ تومان حقوق و با زمای می- شود با حقوق یکساله ۳۷۳۳۳ کارمند و معلوم شده (با ما همی

درباب اعمال غیر اخلاقی!

ظنی ۲ سال اخیر، ده ها تن به حرم عمل لواط (که صرفاً یک مرض روانی است و کسانیکه به آن دست میزنند، بیسار روانی مصوب میگردند) اعدام و حتی سنگسار گشته اند. احسرا دادگاه انقلاب اسلامی تبریز، حجت الاسلام سید رحیم مؤسسوی (که گویا بمرحله شروع می رسد سیر تشریف دارسد) رایه عسرم همین عمل لواط یا یکسوی از پاسداران میزند، به خلسه

درباب حاکمیت قانون!



سهاز دغان نسوی را گشتند: حمت حکایت خانه سرخراب کردن، مردم گرم دره را؟ گفت: "گرچه سن شخراب ما رایه بساد ماده ۱۰۰ تنگی بی شهرت زمان طاعت میان زده ما هموطنان با بد توجه شما بسد که سن تشابه نیا بدما سع از آن شود که در کشور نظام قانون (السنه مفسود از قانون ماده ۱۰۰ تنگی بی است) حاکم باشد" (انقلاب اسلامی ۶۰/۱/۲۰) این گفت و خاطی سر رعایای شما انتظارها کم نیست قانون سیاسی!

"بسر حزب" مارگان بهشتی! خاندان "نبوتی" کم شد! گاردولت "جو تنگ بی" گردید! آفت خانه های مردم شد! (با عرض بوزش فراوان از ضمیمه احل سمدی شیرازی!)



میخواهیم بگیریم و آن است است که اولاً ما همین حساب "کاربو"، ما شیب حساب قابل اطمینانی نبوده و چه بسا جز سنی بسجم و ما مورثا به سازی و جوسازی سر علیه باران "صدیق" اما ما است، بنا بر این مهرانه اردولت مکتبی خواهانیم که ضمن ممنوع کردن واردات این نام از ما تعیین حساب، سرسما به ا مرجع آوری و معدوم ساختن آن هست، کما ردا!

جنگزدگان...

بقیه از صفحه ۱۴

در حال حاضر تمامی امور خوابگاه زیر نظر شورای منتخبت از خود افراده خوابگاه و بیبا شد و البته از طرف عناصر معلوم الحاسی که قدشورا هستند مقابل آن سنگ اندازی میکنند و میخواستند برای آن بی پوش درست کنند و با اینکه از طرف استانداری کمک نمیکند تا شورا در میان افراده خوابگاه محبوبیت خودش را از دست ندهد. که البته کورخوابگاه اند. اگر افراده خوابگاه فعلاً این وضعیت تحمل کرده اند منتظر هستند ببینند دفترچه ها می که قول داده اند باشند چگونه است. و گرنه میازات چند ماهه گذشته، این خوابگاهها نشان داده که هیچگاه مقابل زورگوشی و اجها فاکت نفرا هستند.



پیکار

شعبه از صفحه اول

دشمنی در قلب سرمایه داران و حامیان نشان فرود گرفت " سر راه افتاد، تظاهراتی که نشان دهنده پیگاری گامی است که در جهت مبارزه با رژیم است. تظاهراتی که در ۲۲ دی ۲۲ بهمن ۱۳۵۹ از جمله این " تظاهرات " های ماورا " انقلابی " پیگاری " بود.

" پیگاری " در ارزیابی از تظاهرات ۲۲ بهمن جنسیت نوشت: " علیرغم تشیبات گوناگون ارتجاع حاکم و مداخله جنسیت روی بر زمین است آن از " تظاهرات " و " اکثریتی " کمونیستها موفق شدند با رهبری ما تظاهرات را در تهران مشت محکمی بود همسان با و گویان بگویند و نشان دهند که در راه های طبقه کارگر و سربازان سوسیالیسم مصممانه به پیش میروند. " (" پیگاری " ۲۲ بهمن ۱۳۵۹، تاکید از ما است) و برای اینکه " حفاظت " این تظاهرات و " استقبال " می شامه مردم را از آن نشان دهسد نوشت: " گروهی از مردم زحمتکش در طول مسیر از پیاده رویها و وسایطهای اطراف با گردهم آمدن مشت و سا ابراز احساسات از راهیما پیگاریستها حمایت میکردند. " (هما جاب تاکید از ما است) این ارزیابی عمومی " پیگاری " از این گونه " تظاهرات " و تظاهرات آن بود. البته " پیگاری " در انتهای این ارزیابی بهما گوشزد کرده بود که " راهیما می... نکات مثبت و منفی متعددی در برداشت " وفول برخوردارها را با داده شود. تا با لایحه در یکدیگر و یکدیگر شاره، خود در صفای تحب مسلمان " تظاهرات ۲۲ بهمن: یک تجربه و درسی از آن " به " نکات منفی " این تظاهراتها " دینی اشتغالی " که وعدههایش را داده بودند به این مسئله برخورد کرد. اما زده میدیدیم هم این " انتقاد از خود " داعیهها!! را بر روی کسب.

" پیگاری " عمل از آنکه به " انتقاد " از خود در بسار راه تظاهرات ۲۲ بهمن به بردارد ۲ صفحه و یک ستون کامل به توضیح عمومی، با تمارین " خارق العاده " نویسی در مورد تظاهرات و پس گرفتن یک رشته مواضع خود بطریق زیر سستی!! برداشته است که ما بدانها برخورد میکنیم.

تعاریف من در آوردی و مضمون راست آنها

" پیگاری " در بخش اول " توضیحات عمومی " خود تحت عنوان " شرایط عمومی جنبش و هدف عمومی تاکتیکی " پس از برشمردن اوضاع در مجموع از دستگاه خود سرخشی بودن جنبش به بررسی شکل های با نسی تظاهرات میپردازد و یکی از تمارین نویسی و خارق العاده و بدیع خود را عرضه میکند. " پیگاری " می-گوید:

" تظاهرات خیا ما می در این شرایط، سر حسب نسوج مضمون و ترکیب خود سه دو صورت و دو هدف میتوانند زمان یابد. نوع اول تظاهراتی که نقطه آغاز آن یک حرکت خود انگیزه بوده ای، حول یک خواست و شعرا را قضاوتی یا سیاسی معین و ملموس است. خصیت چنین تظاهراتی، خود انگیزه و خود بخودی بودن آنست که از طبقین معساک رزه خود توده ها (تاکید از " پیگاری ") جو شیدا است و

کمونیستها و نیروهای آگاه، تنها جهت و سازماندهنده این نوع تظاهرات میباشد. طبیعی است که در جنبش تظاهراتی، نیروهای آگاه، علیرغم گوشه نشینی و ارتقاء توده های شرکت کننده و رادیکالیزه کردن آن، میباشد به شاعرها و حرکت خویش را با صحنه حرکت، سازمان آگاهی و شعارهای خود انگیزه، منطبق سازند، (تاکید از ما است) . نوع دوم تظاهراتی است با خصیت تبلیغی که از جانب نیروهای آگاه و انقلابی (تاکید از " پیگاری ") به منظور ارتقاء برای بر آگاهی و ذهنیت توده ها و با هدف تبلیغی (همچون دیگر اشکال تبلیغی) سازمان داده میشود. این نوع تظاهرات که دروا بطنه مستقیم یا فضای سیاسی حاکم سرچا معدا رد، حول ضارها و خواسته های سیاسی و موقراتیک منحصی که در یک مقطع معین در میان توده ها حذب دارند (تاکید از ما است) و با توجه به جمیع ملاحظات تاکتیکی و تکنیکی (!!)، میتوانند برقرار شوند.

بدین ترتیب با دو نوع تظاهرات خیا ما می مواجه هستیم. البته طبق تمارین " پیگاری "، اول تظاهراتی که سوا انگیزه است حرکت توده مردم است و کمونیستها با بدر آن شرکت جویند (که اگر ممکن است " پیگاری " برای نمونه یکی از تظاهراتی است سی توده ای را که در آن بطور غیر رسمی " شرکت گرفته برای مثال ساورد) و دیگری تظاهرات " تبلیغی "!! از جانب نیروهای آگاه و انقلابی. این دو می از ادعای " پیگاری " است. تظاهرات خیا ما می شکلی از صیما رزه عملی است. حاصل میشود هر دو انگیزه با شدیدا از طرف سازمان و گروهی فراهم شده است. سازمانها و گروهها هم زمان تکه مردم را به تظاهرات دعوت میکنند، آنها را سه عمل منحصی دعوت میکنند، عمدی تشریحی، مقاومت حوسانه، اعتراضی و... این تمارین تازه از تظاهرات بدینی " کار " تبلیغی " که " پیگاری " بر آن تاکید کرده و در گذر سالها اشکال تبلیغی " میگذارد از ابداع " پیگاری " است.

البته " پیگاری " سی خود می جهت به این تمارین مسکن در آوردی منوسل نگردیده است. " پیگاری " یک رشته تظاهرات جدا از توده در ۲۳ دی و ۲۲ بهمن و... فراخوانده است که بیست و نکتت مواج شده، فیلا استگونه تظاهرات را " تمارین انقلابی " خطاب میکرد، ولی امروز آنها را " تبلیغی " میدانند. البته " تمارین تبلیغی " است؟! " پیگاری " بجای اینکه به غلط بودن کامل استگونه تظاهراتی چپ نما باشد، جدا از توده، (چهار لحاظ مضمون وجه از لحاظ شکل) سرخورد نماید، به ما شما نسی ضربه بردا خنثاست و برای توجیه هوا داران خود، نوع عدسندی از تظاهرات را ابداع کرده است. ولی مناسخانه تمارین غلط و من در آوردی است. اگر چه ظاهر " چپ " دارند ولی در مضمون گاملا راست هستند. اما زده میدیدیم را بشتر بشکا نسیم.

" پیگاری " در مورد وظیفه کمونیستها در مقابل تظاهرات نوع اول- " میگوید: " علیرغم گوشه نشینی توده های شرکت کنندو... میباشد به شاعرها و حرکت خویش را با صحنه حرکت، سازمان آگاهی و شعارهای خود انگیزه منطبق سازند " این صیغ فرقی با آگوستو میسم ناب ندارد. کمونیستها در مقابل تمارین خود انگیزه سوا بد شعرا و حرکت خویش را با صحنه حرکت، سازمان آگاهی و شعارهای خود انگیزه منطبق سازند؛ با لکنس، اگر چه با بد نقطه آغاز حرکتها ن سطح آگاهی مردم باشد. با بد آن را ارتقاء دهند. جهت گیری و هدفمند بودن را مشخص و روشن کنند و آنرا سوا می کنند و... سازمان صحنه حرکت

پیکار

شماره ۱۱۹ - صفحه ۱۷

کمونیستها دو وظیفه دارند یکی ارتقا حرکت بوده ای و دیگری منطبق کردن خود با مضمون آن !! (که تعریف سی ربطی از وظایف کمونیستهاست. " پیکار " در حقیقت میگوید هم خود را منطبق بر حرکت و مضمون حرکت نموده کسود هم آن را ارتقا دهید !!) عمل " پیکار " منطبق بر این تعریف راست روانه میباشد. " پیکار " تا کمون فقط در نظر هراسها و حرکتهاست خود را نگرفته اند اما دی توده شرکت کرده است و دقیقاً خود را منطبق بر خواسته های اقتصادی و صنفی کارگران کرده است و هیچکس در مبارزات سیاسی نموده ای شرکت نکرده و قدمی در جهت ارتقای آنها برنداشته است. حتی سرکس مبارزه سیاسی نموده را سیر تحریم کرده. توطئه خواننده و شکمپر کرده است. نظا هراسهای ضد امپریالیستی نموده راناشی از " توهم " به خمینی میداند. شرکت نموده در جنگ راناشی از " توهم " نسبت به ارتجاع و نفوذ شوونیسم در ذهن مردم میباشد. مبارزه مردم بر علیه حزب مستبد حاکم راناشی از " توهم " توده سمیت به لیبیرالها میداند و عمل " پیکار " مانند ستوری " پیکار " راست است اگر چه بقایای چپ نمایان به آن کشیده است. این ارتقا هرات نوع اول!

اما تعریف من در آوردی " پیکار " ارتقا هرات نوع دوم نیز بسیار جالب است. کمونیستها هرات نکلی از مبارزه عملی نموده و با فراخواندن نموده مردم به عمل است. حال " پیکار " بما میگوید این نکلی از " تبلیغ " است. ابتدا به ارتقا سیاسی " پیکار " توجه کنید و سپس به این " تعریف " بگردید تا بدید چه سیاست راست روانه ای را پیشنهاد میکنند. " پیکار " در ارتقا سیاسی از اوضاع عینی جامعه ما میگوید که بحران انقلابی حادث شده و نموده مردم در حال تعرض انقلابی است. و آنکاه و طبقه کمونیستها (و حتی نظا هراسهای را که فرامیجو است) عبارتست از تبلیغ و نه عمل !! اینجا صد مضمون راست نظا هراسهای " پیکار " با دیده و کتک و ها بهوی فراوان محبت از " تعرض انقلابی " علیه همه چیز و همه کس میکند. ولی مانع که به عمل و عرصه مبارزه عملی میرسد. برنا به آن عبارتست از تبلیغات. یعنی " پیکار " - این تنها سازمان کمونیستی اصولی !! در جامعه ایران - در دورانی که مفعول خودش نموده در حال تعرض انقلابی است. فقط به تبلیغات مفعول نموده است. حتی مانع که برچرخ داس و کس دار را سهواً بلند کرده است. در قباله چپ نمایی در مضمون راست!

این تعریف از نظا هرات. " نظا هرات برای تبلیغ " ما را بیاد همان " تبلیغ مسلحانه " معروف حرکتی میداند. اعدا ما انقلابی چند مزدور برای سرانگش مردم !! این همان است ولی بجای سرور چند مزدور. نظا هرات حیاتی خاکباز شده است. حسن و بس!

مضمون " انتقاد پیکار به نظا هرات ۲۲ بهمن

" پیکار " پس از توضیح " شرایط ذهنی نموده ها و ناشرین آن در تاکتیک کمونیستها " (که بعد به آهم خواهد آمد)

به " انتقاد " مضمون خود از نظا هرات ۲۲ بهمن میبرد دارد :

" اصحاب زمان نظا هرات و راهیماشی از سوی مساند همان روز ۲۲ بهمن و نا عا شی که مردم روانه میبندان آزادی بودند و انتخاب مسیری که نموده ها اکثر از همسان مسر عسور میکردند. با توجه به سیاست سروها علاوه بر اینکه حرکت ما را تحت الشعاع حرکت سی صدر قرار میداد، بدلیل تضاد و تناقض سروها (!!) عملاً به آن تسلیمه معارضه نموده میبند و ما مع آن میگردید که راهیماشی ما نتواند تصور یک راهیماشی موف در آید. بالعکس، این حرکت با طرکم سیاسی ما به حرکت نموده های مبنوهم در آن روز و تقابل دو حرکت ما و آنها عارم میبندان آزادی بودند. یک حرکت چپ روانه بود. از این رو سطر ما بر کزاری مراسم راهیماشی و نظا هرات از سوی ما سطور هم - زمان ما دعوت لیبیرالها و در یک مسر. تا درست نموده و مناسب به وقت دیگری موکول میگردید. " (ما کمدار ما - ست)

با ورگردی نسبت ولی حقیقت دارد. آسمه صفری کسری حیدها و لفاظی در مورد " شرایط عینی جنش و متی عمومی تاکتیکسی کمونیستها " . " شرایط ذهنی نموده ها و ناشرین آن در تاکتیک کمونیستها " . " نظا هراتهای دو گونه، خود را نگرفته و نسلی " و . . . برای اینکه در آن کسب زمان و مسر با سسر است. را امتیاهی انتخاب کردیم. یعنی در ملاحظات تکمیلی !! سس انسا به رفتیم. راه حل رفع این انسا به هم جلی سا به است و " پیکار " سزمیگوید: " بنظر ما روز ۲۲ بهمن، برای سسر - کزاری این مراسم مناسب نموده و میباید این مراسم در روز قبل و یا بعد از آن روز برگزار میشد !! "

و ناخواندن این " انتقاد " روس میگردید که چسبدر مقاله ای که در باره: مراسم ۲۲ بهمن بیان در " پیکار " ۹۴ نموده شد، بی مایه و لفاظی مرف نموده است: " کمونیستها و سسر - های انقلابی مناسب با سرکزاری مراسم مستقل و نا تکمید (!!) ضمن بزرگداشت دستاوردهای تمام، جهه واقعی رژیم جمهوری اسلامی را باستان دادن عملکردشکن دوساله اش برای نموده های رخصت انسا میگردند . . . و ما خواندن این " انتقاد " است که روش میگردید که آن جمله " گروهی از مردم زحمتکش در طول مسرا از نمادهار و ها و ساختمانهای اطراف سا کرده کردن منت و با اسرار احسان با راهیماشی کمونیستها حمایت میگردید. " چند رخوا معریبی نموده است.

این تمام " انتقاد " از خود " پیکار " است. ولی در همین " اسفا دار خود " هزاران گفته، نا گفته بینهان است! " پیکار " خودی ما میگوید که حتی در حرکت تبلیغی خود (یعنی " نظا هرات تبلیغی) چپ روانه حرکت میکند. ولی این حسب روی واقعیت سیاسی را انسا به کاری در ملاحظات تکمیلی مضمون مسر و زمان نظا هرات محدود میکند. " پیکار " میگوید: " ما باید در حالیکه صد هرات نموده در حال حرکت هستیم. سروکلیسه " کمونیستها " میداند، چون آنوقت " طوه " معارضه حویبانه میبند. " پیکار " ما میگوید ما بدرمانه سکه صدها هرات سسرار مردم در حال راهیماشی سیاسی هستند. سروکلیسه " کمونیستها " پیدا شود، چون آنوقت کار تبلیغی " موفق از آب درمی آید! " چپ نمایی ما آن حد در متی و تفکر هراس " پیکار " روح کرده است که آشکارا صوای جدایی محض از نموده های مردم را نادرس می کند. و آن را به سطح یک سراسر میرساند: در حقیقت و در

پیکار

بسم از صفحه ۷

رمانی تسلیم کنید (مظاهرات طبیعی بگذارید) گذارنده
 آنهم آن جمعیت وسیع بوده، چیزی نباشد! استقلال است، گریه
 آوراست! ما هم در طاعت هر چه شما، در مصون راست! اسم این
 راه هم بگذارید! استقلال را خود!! ولی درد "پیکار" این
 نیست که در همین عوامل تکلیفی سیاسی مصورمان نظر هرات
 انبساط کرده، درد در آن می و نظام فکری است که "پیکار" در
 آن بر فوردا راست.

چرا پیکاریه "انتقاد از خود" برخاسته است

همانطور که همیشه "پیکار" در مطالب خود در باره، نظایر
 هراتهای ۲۲ همیشه نورانی است از این نظایر آنها - به سرسخت
 و محض در ابتدا نوعی از این "سفر انقلابی" برداشت، ولی
 ما گمان درضا ره، مدو یکم بنویسد این به این "استفاد از خود"
 رو آورد، چرا؟ از هر راهی این "استفاد از خود" مستحضر
 گرفته است، نحوه کنید:

"در همین جا با شما همگام که این نحوه، شرح میورد
 محض بر به بهران نبود... رفقای ما در ما همسر... سه
 حرکتی دست زدند که با سهای بسیاری برای ما در
 داشت... سبب من موقعیت و شرایط سیاسی، رمانی و
 تکلیفی این تا کسیک ("مظاهرات طبیعی" - حقیقت)
 همسرین سرب احرای موقعیت آمران است، عطی که
 صافا به در این سهر صورت بگرفت، و در نتیجه عدم موقعیت
 این حرکت، وفا بیعت با گوار آمدی آن انجا میسند."
 (تا کنید با ما است)

این استکریه و راه استفاده از خود "پیکار" - رمان
 سهای بسیار" و "صافا با توار آمدی" این "سفر انقلابی"
 حرکت دهنده "پیکار" - با همسر بنویسیم تحت فشار و گرفتار
 رهبری "پیکار" برای استفاده از خود آنگی و راست بر او است
 سوده است. این "رمانها" و "صافا با گوار" عبارات
 چیست که رهبری "پیکار" را محصور کرده است تا آن محرض
 شخصه های که در این بگردد و این چنین "استفاد از خود"
 نکند؟ اینها عبارات سبب اردن سببها و ضرب و خورجها می که در طی
 این مراسم "مستقل و سبک" سداها وارد آمد، "زناها"
 و "صافا با گوار" که فقط محض به ما همسر سوده، در سهران
 و سهران... هم اتفاق افتاده است. اما همین زاویه
 "استفاد از خود" کنه راست روی "پیکار" را سولا مبدا زد.
 رهبری "پیکار" هواداران خود را به "سفر انقلابی"
 سبب می کند، ۲۳ دی را یک سفر انقلابی "با سبک" محض
 مدو محض به کارگران هم توهیه می کند که این محض "سفر
 نکند، ولی، ولی "پیکار" دلش مسوا هدایت "تصویر
 انقلابی" بدون "صافا با گوار" و "زبان" همرا با سبک!!
 وای چه راست روی بر رگی است این "استفاد از خود"، این
 همان زاویه، اشتبا در تدبیر و بیرونیت سوده ای به سبب
 چریکی بود که مرسا تسلیم می کرد که محض چریکی با عت اردن

رفتن مبارزین می کرد، و سبب توهیه جوهر انقلابی حرکت راست
 سبب می گرفت. "پیکار" هم همین کار را می کند، برای این
 که به مصون و مصوای محض هت شما با نه خود بر فوردا نکند، سبب
 مصورمان می حسود را سها را راست سردر می آورد: تصویب
 انقلابی سبب ملی شهید و سبب سبب سبب. امکان پذیر نیست!
 انقلابیون اگر چه در حفظ سببهای انقلاب و اعضای کار در سهای
 ما را سهای انقلابی میگویند، ولی هتکاه زاویه حرکتشان
 "حفظ خود" نیست! "پیکار" به این درد در جا رنده است
 رهبری "پیکار" در سببها و واقعیت که "محض و تا کتیک هاتین"
 به محض کجا حرف می زنی کردن به ای ارا عت، و هواداران محض
 انجا مد، به راست روی گرویده و این سببها را سببها محض
 راه تلویزیونی از سببها دادن را سببها سببها محض و زمانی
 سرگرای نظایر هرات محدود ما عت است. هواداران و اعضا سبب
 "پیکار" با بد مصوای هرات است: چپ سببها "پیکار" محض
 راست دار و سببها لاف به سببها "حفظ خود" را بدو میگویند و با سببها
 سبب سببها در شکل راست طاهر می شود، استکون "استفاد از خودها"
 سببها را این سببها سببها میسوا عت است! اعضا و همسوا داران
 "پیکار" را بدو سببها محض شرح میسند:

درد پیکاریه در ملاحظات تکنیکی بلکه در

محض چپ نمایانه می باشد

ادامه دارد

کمکهای مالی دریافت شده

محل	مبلغ	کسب	نام
ریال امپهان	۵۰۰۰	۲۸	ر - ر
"	۵۰۰۰	۲۰	م - م
"	۱۵۰۰	۲۰	ف - الف
"	۱۰۰	۱	ب - ب
"	۵۰۰	۰۱	س - س
آغا چاری	۱۰۰۰۰	۱۹	ن - ن
"	۲۵۰	۲۰	ا - ا
"	۷۰۰	۷۷	م - م
"	۵۰۰	۲۰۰۲	م - م
"	۹۰۰۰		رفقای کارگرمیت
"	۵۰۰۰		عده ای رکارگران محض
"	۵۰۰۰		سببها
اهیار	۵۶۰۰		هواداران ما رمان در
"	۱۰۰۰		رندان کارون اهواز
"	۲۰۰۰		ج - ج
"	۲۰۰۰	۶۶	ف - الف
"	۲۰۰۰		زاده
نهران	۲۰۰۰		عاما - ک
"	۱۰۰۰۰		د - د
"	۵۰۰۰		سوف
"	۳۰۰۰		سهرام
"	۲۰۰۰		رفقای هوادار
"	۲۰۰۰		الهام
"	۲۰۰۰		بی
"	۱۰۰۰		هو محض
"	۱۰۰۰		بی - کارگر
"	۵۰۰		رضی هوادار
عالیوس	۵۰۰	۳	الف - الف
"	۵۰۰		ج - ج
"	۱۰۰۰		بی - بی
			رضیق س - که از سهران هدیه تان رسبند



اما در این رابطه با اسما را بدقت کسب کرده
مقتول ما نویسنده دین همراهِ در خدمت
فصلنامه "حقیقت" و خط سیاسی شخصی است و ما
مستشاری از اوقات ما آگاهانها به در اینها
و همواره خط سیاسی کارها بهمان توجهی
سازیم که مردم را بهین با همیستند
خط ۵۰ از شماره
چشمه است :

ساخت اقتصادی بلوک شرق :

و همیقت دین از اینها در ما رسیده
با سر دهم فروردین منوالی است در اصطلاح
کرده اند .

در ما را با خط اقتصادی احیای
کشورهای بلوک شرق با بدگفت که در این
کشورها روابط سرمایه داری نوینی (سختی
سرمایه داری دولتی که در نتیجه اصطلاح
دولت کارگری و روستایی به یک دولتیست
بورژوازی موجودی آمد) تأسیسات
الیه که در اینها لایب تنظیم در اینها
مجا ریختن (شماره ۱۱۶) و با مقدمات
مختص در مورد اینها در هیچ کس نیست
عینیت که در این کشورها سرمایه داری
خصوصی هم در حال رشد است اما سکتور
غالب همان سرمایه داری دولتی است .

این سرمایه داری همان بطور کسب
اشاره کرده اند دنیا شکل کلاسیک سرمایه داری
رقابت آزاد و با است اما بهر حال
نظامی خصوصی نیز تولیدکننده کالای و کسب
مردوری است که به قول ریح کارگر سران و
زحمتگزاران این کشورها را به صورت ارز
ایجابی به هم سرمایه داری دولتی می
ریزد و خصوصیت این سرمایه داری اینست
است که دولت در اینها با سرمایه داری
دست یزدا ندهد اما در اینها سرمایه داری
و همیقت ها که با سرمایه داری صورت
است ولی این مسئله آنها به است
بوسیله اینها در این کشورها خصوصیت
ویژه ای میباشند در ما بهر جهت مسئله که آنها
کشورهای سرمایه داری بوده و با سرمایه
اینها جامع کار روسها است بهر جهت
نمیباشد .

خط ۵۰ از شماره

سختی های اقتصادی و کسب

خط ۵۰ از شماره
سختی های اقتصادی و کسب

خط ۵۰ از شماره
سختی های اقتصادی و کسب

خط ۵۰ از شماره
سختی های اقتصادی و کسب

خط ۵۰ از شماره
سختی های اقتصادی و کسب

خط ۵۰ از شماره
سختی های اقتصادی و کسب

خط ۵۰ از شماره
سختی های اقتصادی و کسب

خط ۵۰ از شماره
سختی های اقتصادی و کسب

خط ۵۰ از شماره
سختی های اقتصادی و کسب

خط ۵۰ از شماره
سختی های اقتصادی و کسب

عین حال با دستور سازمان و سر و
عینت سر و روی مسئله سیاسی کسب و
با توجه به خصوصیات مجلس سیاست خود را
در این رابطه به بعضی مردم در اینها
نزدیک به این مسئله در "حقیقت" بطور
مختص خواهد هم سردا شد .

در باره "پیکار"

رئیس مسوولان که آنرا در باره
را همان سر و کسب کسب است
کرد ما به ؟ و این ملاک های ما را
بعضی محدودند . بعضی کسب
خواهسته اند ؟

فصلنامه این است که در اینها
در این کسب کسب (که آنها
بعضی های سر و کسب در اینها
استراتژیک است که در اینها
بنا بر این مسئله و ...

مقتول او ضاع حاصله و بدست
نقطه نظرات و مواضع سازمانها
بویژه ما موضوعی های سر و کسب
و برای به دو خط منی است
کودیده است . خط منی ما را
با زیر منی شما شده خط منی
چپ شما با ما سر و کسب است

خط منی شمع از سازمان ما
است که در اینها سر و کسب
و در حقیقت وحدت آن با کسب
با این استراتژیک ما بود که
سختی شما بدو ما با بدیگر است

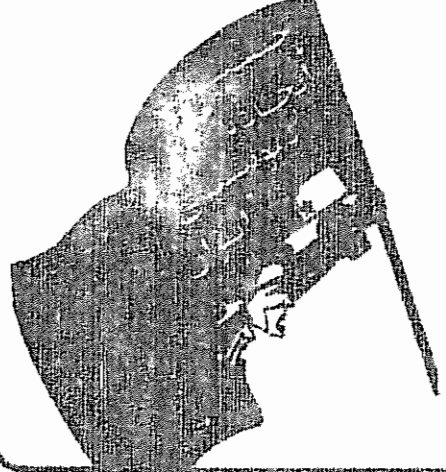
سر و کسب که در اینها استراتژیک
میا رود اینها سر و کسب
و آنها را در اینها استراتژیک
استراتژیک سازمان

در باره "تظاهرات"

رئیس مسوولان سر و کسب
سر و کسب در اینها استراتژیک
رقابتی که با اینها سر و کسب
بسیار استراتژیک است و در اینها
سختی های سر و کسب است
نشانگر کسب که سر و کسب است

در باره "تظاهرات"

همانطور که در حقیقت ۱۱۸ آمده است
اجرای بدست از خطها و اینها
دهها تالی و بعضی دهها تالی
نقطه نظرات در اینها سر و کسب
از اینها سر و کسب است
"د" استراتژیک است
"س" به شمع دهها تالی تنظیم بود
ما از اجرای بدست "ج" به شمع است



گزارشی از جیت سازی تهران :

شرح یکت روز مبارزه کارگران با فکار

تجدید نظر در ظاهر و در حقیقت، سعادت ای ارکارگران...
 کارخانه، جیت سازی تهران در خطوی ای ای ساعت کار را...
 سود و دیوید با هم که گفتند در راه، سیمت روز و سوره...
 (کمیا روز گذشته گفته شده بود که غیرداده مورایا...
 خواهم رفت، سب به دستور دولت و وزیر کار را...
 بهویب رسیده است و سیمای ای ارکارخانه...
 و سیمای ای هم خواهان کربتین آن هستند...
 سود را میگیریم، شما شد ما اتفاقا دو...
 بگذریم که کنیم، کارگران گفتند: این...
 به پیروی ما با هم می آید، سیمای ای...
 روسی سیمی بود، پس سیمای ای...
 به پیروی، سعادت ای ارکارگران...
 نرفته بودیم، سیمای ای سیمت و...
 کربان دهنده، سیمای ای سیمت...
 که سیمت با پدید آمدن خود ما را...
 غده است که با فشاری و خاصیت...
 دانشم را می با لا می کنیم، سعادت ای...
 پیمانده می کنند و اردکارخانه...
 چیست؟ ما گفتیم که میخواهیم...
 گفتند که ما هم سیمای ای...
 رعیت، در سیمای ای سیمت...
 سیمای ای سیمت که سیمای ای...
 گفتند که ما آیدیم...
 سیمای ای سیمت که سیمای ای...
 کمترینی در سیمای ای سیمت...
 این هر چه سیمای ای سیمت...
 وقتی که سیمای ای سیمت...
 ما را روسی که سیمای ای سیمت...
 سیمای ای سیمت و سیمای ای...
 بود، سیمای ای سیمت...
 سیمای ای سیمت...
 گفت سیمای ای سیمت...
 تزان همگی سیمای ای سیمت...
 اجازه میدهند که سیمای ای...
 سیمای ای سیمت...
 مواظبت کردید و سیمای ای...
 کارگران سیمای ای سیمت...
 دولت جمهوری آلمان...
 و سیمای ای سیمت...
 های سیمای ای سیمت...
 ۵۸ پانسی سیمای ای سیمت...
 کشوری که سیمای ای سیمت...
 روسیه سیمای ای سیمت...
 دانشم را سیمای ای سیمت...

تجدید نظر در ظاهر و در حقیقت، سعادت ای ارکارگران...
 کارخانه، جیت سازی تهران در خطوی ای ای ساعت کار را...
 سود و دیوید با هم که گفتند در راه، سیمت روز و سوره...
 (کمیا روز گذشته گفته شده بود که غیرداده مورایا...
 خواهم رفت، سب به دستور دولت و وزیر کار را...
 بهویب رسیده است و سیمای ای ارکارخانه...
 و سیمای ای هم خواهان کربتین آن هستند...
 سود را میگیریم، شما شد ما اتفاقا دو...
 بگذریم که کنیم، کارگران گفتند: این...
 به پیروی ما با هم می آید، سیمای ای...
 روسی سیمی بود، پس سیمای ای...
 به پیروی، سعادت ای ارکارگران...
 نرفته بودیم، سیمای ای سیمت و...
 کربان دهنده، سیمای ای سیمت...
 که سیمت با پدید آمدن خود ما را...
 غده است که با فشاری و خاصیت...
 دانشم را می با لا می کنیم، سعادت ای...
 پیمانده می کنند و اردکارخانه...
 چیست؟ ما گفتیم که میخواهیم...
 گفتند که ما هم سیمای ای...
 رعیت، در سیمای ای سیمت...
 سیمای ای سیمت که سیمای ای...
 گفتند که ما آیدیم...
 سیمای ای سیمت که سیمای ای...
 کمترینی در سیمای ای سیمت...
 این هر چه سیمای ای سیمت...
 وقتی که سیمای ای سیمت...
 ما را روسی که سیمای ای سیمت...
 سیمای ای سیمت و سیمای ای...
 بود، سیمای ای سیمت...
 سیمای ای سیمت...
 گفت سیمای ای سیمت...
 تزان همگی سیمای ای سیمت...
 اجازه میدهند که سیمای ای...
 سیمای ای سیمت...
 مواظبت کردید و سیمای ای...
 کارگران سیمای ای سیمت...
 دولت جمهوری آلمان...
 و سیمای ای سیمت...
 های سیمای ای سیمت...
 ۵۸ پانسی سیمای ای سیمت...
 کشوری که سیمای ای سیمت...
 روسیه سیمای ای سیمت...
 دانشم را سیمای ای سیمت...

سابقه از صفحه ۷۴
کارخانه
ایران پولین

گرمی مجنا بند - حقه - همبستگی شروع شد. همین گاه اوضاع را خیلی
 ناخودریدید گفت: برادران من چرا شروع میکنید! ما آمده ایم به
 وضع شما برسیم! ۵۰ نفر، ۵۰ نفر، ۵۰ نفر... شما شایسته این صحبت کنید
 و بقیه بفرکارشان بگردید! عده ای از کارگران وقتیکه همین
 صحبت با صحنی فهمیدند که او با این کار میخواهد بینشان جدایی
 بیندازد و برشان را شیره بسازد، بجای صحبت، مجدداً در محوطه
 کارخانه تجمع و به سخنان افشاگرانه، کارگران گوش دادند.

(منظور همان صحبت های اولی است.)
 ... همینی پس از پایان کار کارخانه ولیست سرداری از ۷۵ نفر
 برای پاکسازی و مدبر حکم تصفیه و دستگیری برای عده ای دیگر
 از کارگران مبارز کارخانه را تحویل به ساداران مسلح داد. طبق
 دستور قرار شد که از روزه ۷۵ نفر طبق لیست به کارخانه جلوگیری
 شود.

سه شنبه ۱۳۶۵/۱/۲۵ - در این روز اصبح دوشنبه ساداران مسلح
 خواندن. اما می موجود در لیست ۷۵ نفر که ممنوع ورود بودند و
 مقابله آن با ساداران کارگران اینگونه از جلوی درب کارخانه
 میبندند، بیایان اجازه ورود داده شد. با وجود کمیت ظاهری
 جماعت ساداران و با ساداران، کارگران تحت تاثر سخنان واقفان
 گریهای دیروز (روز قبل) بودند. خیلی افسوس میخورند که چرا
 تا حال این واقعه را که بیانشان نگفته بود، کسی حوصله
 کارودل و دماغ روزهای قبل را نداده است. جای خالی دوستداران
 مبارز تحت تصفیه و ۷۵ نفر کارگران ممنوع ورود بطوریست از
 میان حرفهای کارگران احساس میشود.

در حدود ساعت یک همینی که میخواست نهمین روز قبل
 و اثرات در کارگران بدانند و مرد مفیدی خود را در کارخانه
 کارگران حاضرند شروع به صحبت کرد: خواهان، سواداران راه
 درست را انتخاب کنید... گول این افراد را نخورید... اینها را
 بسا معرفی کنید... شما زمین داده میبندید... برای پتان خاک
 ساخته میبندید!... من را اگر دعوت کنید به خانه، همه شان فواشم
 آمد... پس از پایان این شعله بازی (سخنرانی) کارگران
 که تعطیل شده بودند با هم صحبت میکردند: ... دیروز ما فهمیدیم
 راه درست یعنی چه... شما که از حق ما گذشت نمیکنید، چگونه
 خواهید برای ما خانه بسازید؟... مگر اینها (منظور کارگرانی که
 دیروز افشاگری کردند) چه چیزی میگویند که میخواهند ما را
 گول بزنند؟ از صحبت های پراکنده کارگران معلوم بود که بسا
 وجود دیگر و بیننده های روز قبل با ساداران مسلح و تمام عده های
 دروغین همینی، کسی فریب آنها را نخورده است. یکی از کار
 گران میگفت: کاری دارند میکنند که هیچکس حرفی نزد و همه
 از هم بترسیم!

... یکی از کارگران که چند روز قبل از این حادثه خودش را در
 تکی اخراج عده ای کارگر با خصمانی و روز مزد بود میگفت: تا
 یک هفته قبل ۱۲-۱۰ نفر برای کار روز مزد ما خصمانی در این
 محل مشغول بودند. آنها همیشه روی مسائل مختلف با هم بحث
 میکردند. تا یک روز یک نفر از دفتر کارخانه آمد و با آنها گفت از
 شما دیگه اینجا نباید. همه معلوم شد که همین این کارگران
 روز مزد هم همین گداخته بودند و هم همه را با سر و سرم
 مافوق "لو" داده بود.

با کمزری و اکبرزاده در حرکت بودند (تا سیرده در حدود ۳۰ مسیله
 قبل بعنوان تکثیر بین مکانیک در این کارخانه مشغول بکار شد
 و در این مدت در کارخانه با مصلح مشغول کارآموزی بود).

... موقعیکه با ساداران یکی از کارگران مبارز و ضامن نورای
 قبلی این کارخانه را با داخل ماشین انداختند که همراه خودش
 ببرند. کارگرها تصورده ای از میان جمع کارگران خود را جلوی
 ماشین با ساداران رسانند و در حالیکه دیکه ۵۰ نفر را بهر آن خود را
 باز میگردند و میبندند. شما ها خیال کردین که چی؟! باید مسرا
 بکشید و بعد در شوید! او را کجا میبرید؟ و در حالیکه خطاب به
 کارگران میگردد، میگفت: او را که دارن میبرن شما بنده مسرا
 است! شما موسی ما بت! ای برادرهای کارگر چطور اجازه میدید
 که اینها تا موسی شما را با خودش ببرن؟ مگر غیرت ندا رسید؟
 وی با این سخنانش به کارگران تکان مضمی داده بود. دوباره
 ادا شده داد که: ای برادر من از ماشین بسا بیرون (منظور
 کارگری که سوار ماشین شده کرده بودندش) و با این ترس
 کارگرها دستگیر شده با فشاری کارگران دیگر از ماشین بیرون
 آمد و بمریان کارگران بازگشت.

یکی دیگر از کارگران که جزو ضامنندگان قبلی نیز بود و
 قصد دستگیرییش را داشتند با فریاد بلند شروع به صحبت کرد: مسرا
 علی وار خوا هم سرد! هر کسی که ما را میخواهد همراه ببرد، باید
 بدانند که از روی نمش ما با بیبندید. جای من در همین کارخانه
 است! مرا با بدیس از سرگرم در جلوی درب و بتل اطلاق نگهبانی
 کارخانه بجا بیاورند!

... دو نفر از کارگران که به بیورش و هشمانه این افراد به داخل
 کارخانه اعتراض کرده بودند تا آن جزو افراد ضامن و نقلی
 با داداشت شد. البته این دو نفر تا سه روز بعد که از جبهه جنگ
 به کارخانه آمده بودند.

... خدمت خشم کارگران بختی بود که خیلی ها با وجود فقر و
 بیکاری و فشار مشولیت خانوادگی نتوانستند این ظلم را
 ببینند و با موش گردند. از جمله کارگری فریاد میزد: بچه حق
 بداخل کارخانه آمدید؟ مگر ما میگذا ریم که شما هر کاری دلستان
 خواست میکنید و دستان ما را ببرین؟ با این کارگردر همان لحظه
 اول از طرف مسرا جمله شد که بقیه کارگران و برادران جنگ
 همین نجات دادند. وی هم از جمله کسانیست که برای بسا
 ضامن دن مضمی میباشد.

... یکی از کارگران با اشاه به قدر دانی بنام ساداران (کسی
 گویا مهندسی تحصیل کرده آمریکاست) در کارخانه گفت: مهندس
 ساداران را که تا دیروز در آمریکا بود و حالا آمده اینجا و ما
 ۲۵ هزار تومان حقوق مفت و مجانی میگیریم چرا اخراج نمیکنید؟
 که همین کارگر متعوض را بقرول خودش به مردم مشغول و زبسان
 درازی (!) جرو لیست اخراجهای آن روز نوشت.

... در اجتهای هجوم با ساداران که آنها فکر میکردند که
 مفا بلشان مفا و مت و مفا لیت نخواهد کرد، وقتیکه دیدند کارگران
 تمام قسمت ها از سادارانها را چ و در یکجا جمع شده و شروع به افشا



اخبار کارگری

در آستانه عید کارگری در کارخانه ایران یوبلین - رشت چه می گذرد؟

شده و بدنامی با تومبه و دستورگتسی استاندار مینی بر اشتغال کار در سالن این کارخانه مشغول کار شدند، در قسمت کارگری این کارخانه نیز فردی زنی بنام مداراشی مشغول کار شده است. این شخص نیز که با سفارش کتبی استاندار مشغول بکار شده، کارش فقط لودادن و شناسایی کارمندان و کارگران این کارخانه است و حتی علنا به متقاضیان کارگشته که برای امکان کار باید "فالانز" سودا و هم چنین سارفت و آمدهای مکتوب را باک شریقی سابق کارخانه (و حتی ورود علی بیجا به ما شین به داخل کارخانه) و هم چنین وجود کمبری در کارخانه و تبلیغات وسیع این امراد سرعلیمه شورای سابق رمننه اجرای این توطئه را آماده نمود. از عوامل دیگری که باعث پادادن به این اعمال شد، انحراف سعی از نیروهای سیاسی خصوصا آنهاش که مستعد بودند "جسوی بیضی اعلامیه در این کارخانه با بدگرفتنه شود تا خوبیم بخورد" و فعال نبودن امراد سیاسی در این کارخانه برای همه کردن این توطئه در نظر بود. و این امر باعث گردید که این اوباشان قدم بقدیم نقشه خود را بجا آورده کنند. با این ترتیب امراد شورای قبلی و سپس افراد منضمی شناختی شده و بیستام مورد لطف مسئولین جماقداران قرار گرفتند و از کارخانه سسه هشت باگساری ارجاع داده شدند تا اخراج گردند. برای اجرای آخرین برده این سمانش حزب منصور با ازشیح روز دوشنبه ۶۵/۱/۲۴ سبعاوزده کارخانه سسه با اعتراض کارگران روسرو شد (گزارش کامل آن در جایی که ما برای کارخانه یوبلین در دنباله همین گزارش آمده است). در این روز یک لیسیت ۷۵ نفره تهیه شد و ساس امراد از روز ۶۵/۱/۲۵ تا ۱۰ روز حق ورود سسه کارخانه را ندادند تا وضع شان روشن شود. این لیست نام اکثر کارگران مبارز و اهرای را شامل شده که پس از پیروزی بیستام ۲۲ سهم سهم کارگران و شورای قبلی سه کارگشته بودند. اینها با ممنوعیت ورود برای افراد سسه میرده چند هدف دارند: الف - تمهائی ارساط گذاشتن کارگران جوان و تازه کار که تجربه چندانی ندارند. ب - ایجاد دفرمه و چند دستگی بیسن کارگران تازه استخدام و کارگران ناغل قدیمی. ج - دستچین و سیاسی و اخراج کلیه کارگرانی که ساکتون نتوانسته اند سیاسی بکنند و هم چنین برای جلوگیری از مبارزات آینده در این کارخانه.

چهارشنبه ۶۵/۱/۲۶ بدستمال هموم با سداران به این کارخانه (ایران یوبلین) ۷۰ نفر از کارگران که بدستور حبس میسوع الورد شده بودند در این روز از صبح تا عصر تعطیل کارخانه طوی درب ورودی کارخانه اجتماع کرده بودند. در این روز سرکنترل کارخانه سه مهده، با سدارانی که از مزویب آورده شده بودند کدکد شده و همی افراد از ورود کارگران مزبور جلو گیری کسودند.

دوشنبه ۶۵/۱/۲۲ - کارخانه ایران یوبلین رشت :
با رد دیگر عوامل و دستجات حزب جمهوری اسلامی در آستانه مراسم بدن اول ماه مه (۱۱ اردیبهشت) رورجهاشی کارگر برای جلوگیری از تشکیل کارگران و هم چنین ایجاد دفرمه و دستگی در میان کارگران، با حملات و بیسن کارخانه ها بوسیله سداران و جماقداران و فراخواندن کارگران سارز برای مهاجسه به نیروی آسانی و بیسن اخراج، عملا ساس سدکارگری خود را بنما بی گذارند.

در این رورعه ای با سدار مسلح سداخل کارخانه ایران یوبلین هموم آوردند که باعث حشمو اعتراض کارگران قسمتهای مختلف کارخانه شد و کارگران با عکس العمل سدسجود، اتحاد و بگبار چکی خود را نشان دادند.

همراه سبها سداران حبسینی رئیس هشت باگساری و اکبرزاده دیبه میسند. اکبرزاده یکی از عوامل اس اوباشان از سه ماه قبل به عنوان شکستیس مکا سیک در این کارخانه مشغول بکار شد و چون قبل از اس کار سست ساری سستی را داشت از اولین روزهای ورودش شروع به عرض اندام و اجرای توطئه سستی ها سوسی و تفرقه انداختن بس کارگران و هم چنین دادگسین ران به جو منظمی در کارخانه برای ساساتی سمارسار و سسرورد میان کارگران بود.

چگونگی اجرای توطئه

شکل تدارک و علت این حرکت - برای سمانه با سساراب "اتحاد شوراهای کیلان" و از بس بودن آثار مبارزات سستی آن "انجمن های اسلامی کارگران کارخانه کیلان" را علم کردند. این "انجمن ها..." که سار بود سس با سستی این رورهای پنجشنبه در ساجنمان جها سار سدی رس سسکیل کرده، ساسام حقه های که به کارگران زدند و ساهود همه و عده های دل حوس - کن اصلا سستمال نگند. سار سس که سار کارگران اطر سس همیس انجمن بوسیله خان سس همی این ترماسده سادرسا رهبری و هدایت کنند که این شکل هم سسرور - بگرمند.

هدف واقعی از تشکیل انجمنها

۱ - شناختن کارگران ساررد کارخانه ها ۲ - اخراج اس کارگران و آوردن جماقداران زده و حود سروی سمان (سک نموده آن با اخراج ۲۵ کارگر از بوس حدود ۴۰ سدار اوباشان و جماقدار عرسی محلیه، سار سار در اها بگری اس افراد اخراج شده گردند. ۳ - سسکیل "هسه های مشاورت" که در واقع سس تربیت کارگران جماقداران است، که در ساسا سسه سسکس سمان برای این "هسته" وظایفی چون سسرسی و سسرسی سسسام گزارش دهی و شناسایی، دگر کرده است.

عوامل و زمینه توطئه

در اس کارخانه سسراس عوامل برای سباده کردن اس نقشه از بس آماده شده و ارد عمل شدند. در جد مورد اهراد سساجسه

در حاشیه :